

کارگران  
و دهکده‌نشینان  
محمدرضا

کارگران  
و دهکده‌نشینان  
بهیگ گرن

# تجارتگاه

ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

60p

بهاء ۵۰ ریال

فروردین ۱۳۶۲

دوره جدید سال سوم - شماره ۲۸

## ★ صورتک ۲

درگیریهای

حزب دمکرات و کومله  
راه حل ما

در فروردین ماه امسال نیز  
همچون چند ماه آخر سال ۶۱  
درگیریهای خونین بین سران  
حزب دمکرات و کومله که نه تنها  
همچنان ادامه یافت بلکه ابعاد  
کثرت بیشتری نیز به خود گرفت.  
این درگیریها که البته ابعاد  
یک جنگ سراسری بین نیروهای  
دو طرف را به خود گرفته است،  
در این ماه وارد مرحله حساسی  
شد. علاوه بر آن که هیچ نشانه  
ای از تمایل به پایان آنها وجود  
ندارد و همچنان حزب دمکرات  
کردستان ایران بر شعارهای  
غیر دمکراتیک خود

در صفحه ۲

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنسبت فرارسیدن

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران

خطاب به

کارگران سراسر ایران

کارگران ایران باید این روز را به عرصه هرج و مرج جهانی خود بخوابانند  
سرمايه داران رژیم با صدور اطلاعیه آنها تبدیل کنند.

کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماه مه بر سراسر ایران  
دست از کار بکشند تولید را متوقف سازند. این روز را می‌توانند نظام  
کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند و شعارهای بزرگ جنگ  
ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق که یکی از ثمرات نکت بهار و فاجعه  
معدیده نظام سرمايه داری است دست به تظاهرات خیابانی بزنند.

در صفحه ۲

حزب دمکرات

سرخورده از گذشته، نومید از آینده

یکی دیگر از مضع اصلی شاجرات طرفین  
را تشکیل می‌دهد که در مقطعی  
آخر فروردین ماه امسال  
مجاهدین خلق ایران با انتشار  
اطلاعیه‌ای در مجامع شماره  
۲۴۲ آخرین اتمام حجت رسمی  
خود به حزب دمکرات را نیز  
اعلام داشتند. طی این  
اطلاعیه از حزب دمکرات کردستان  
ایران خواسته شده است که  
مذاکره با رژیم را در حال و  
در صفحه ۶

حزب دمکرات کردستان  
آن که یکی از نیروهای  
اصلی تشکیل دهنده انقلاب  
سوروز - رستمی نورانی طی  
مقاومت بود در طول چند  
ماه گذشته ظاهراً به خاطر  
ادامه مذاکره با رژیم، صدور  
حملات متعدد، مؤلف اصلی  
خود یعنی سازمان مجاهدین  
خلق بوده است در تمامی این  
چند ماه جدائی غیر رسمی  
اما قطعی این دو نیرو از

اطلاعیه کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هشدار  
به  
راه کارگران

در صفحه ۵

\* گرامیداشت یاد  
تلفی محمدرضا نخستین  
جمهوری خود مختار کردستان

\* در خاموشی

تغلیه وسیع شهرهای بهاران شده



انصار  
جبهه مقاومت  
نیروهای

توضیح درباره تغییر عنوان

شاه‌خه کردستان

به

کمیته کردستان

همه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هدی

## فرگیرهای

## حزب دمکرات و کومه‌له

از صفحه ۱

برای هرگونه مذاکراتی در این زمینه تاکیده می‌نماید. و این شیوه برخورد نه تنها هیچ گونه ککشی نمی‌تواند و نتوانسته است برای قطع درگیری‌های کنونی بنماید، بلکه عملاً قطعاً تنها در خدمت گسترش هرچه بیشتر آنهاست. به دلیل همین برخوردها نیز هست که هنوز بعد از ۳ ماه درگیری‌های حزب دمکرات و کومه‌له با ابراهامی به مراتب خونین‌تر از قبل پلاوکه در تمامی ضابطه‌های کردستان در هر گجا که نیروهای دو طرف حضور دارند، ادامه داشته و دارد. امری که تاثیرات زیادی در حرکت نیروهای انقلابی برجای گذاشته است و در مجموع جو تشنجی را در سراسر کردستان دامن زده است.

اما این واقعیت یک وجه از تاثیرات و تبعات این درگیری‌ها بود. که وجه دیگر تاثیرات مخرب این درگیری‌ها تاثیرات زانیار آنها بر عموم توده‌های کارگر و زحمتکش خلق کرد و دامن زدن به ایجاد جو بی‌اعتمادی در میان آنهاست. زحمتکشان کردستان بعد از شش سال مبارزه خونین در شرایطی که ضرورت‌های عظمی جنبش ایجاب می‌کند که مختاسب با روند عصبی مبارزه در کردستان هرگونه تفرقه و تشنجی در صفوف مبارزه کنونی اجتناب گردد، شاهد گسترده‌ترین تهاجم دو نیروی مهم منطقه‌ای علیه یکدیگر هستند، برای صریحی که تمام هستی خود را در گرو مبارزه بی‌امان علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای کسب حقوق تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود نهاده‌اند و بر این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند، شاهد وضعیت حاضر که مستقیماً مهم‌ترین دستاورد های دمکراتیک آنها را آماج خود قرار داده است، نه تنها نگران کننده، بلکه تاسف‌آور و فزاینده و تحمل‌ناپذیر نیز هست. کسانی که بدون توجه به خواست توده‌های زحمتکش خلق کرد، بر ادامه این درگیری‌ها

پای می‌فشارند، علیرغم ادعاهای راهی خود، عملاً بی‌اعتنائی خود به خواست توده‌ها و اهداف واقعی آنها راه آشکار می‌سازند. بر هیچ کس پوشیده نیست و زحمتکشان خلق کرد بهتر از همه می‌دانند که ادامه درگیری‌های حاضر نه تنها خلق کرد را به پیروزی نخواهد رسانید، بلکه دست‌کم برای حداقل یک دوره معینسی ضربات مهلکی را بر پیکر جنبش انقلابی خلق کرد نیز وارد خواهد ساخت. سیاستی که بر ادامه این درگیری‌ها با هر بیانی پای می‌فشارد، عملاً نمی‌تواند و نخواهد توانست نه تنها چنانچه از روشنی را در مقابل جنبش کنونی باز نماید، بلکه عملاً هرگونه چشم‌انداز محتمل آنرا در شرایط حاضر نیز تیره و تار خواهد ساخت.

ما عیناً اقتدار داریم که حل مسائل مورد اختلاف حزب دمکرات و کومه‌له در شرایط کنونی از طریق سیاسی نه تنها امکان پذیر، بلکه امری کاملاً عملی است و توجیل به اسلحه تنها در عدم اعتناء به جنبش راه - حلی و عدم درک ضرورت‌های کنونی جنبش است، که تا بدین حد گسترش یافته است. امری که به هیچ وجه قادر نیست هیچ کدام از مشکلات کنونی را نه تنها پاسخگو باشد، بلکه برعکس بر ابعاد این مشکلات و محضات تحمیلی بر جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد نیز، خواهد افزود.

هر نیروی در قبال جنبش انقلابی خلق کرد و اهداف پیروزی آن احساس مسئولیت نمی‌کند، امروز باید با ارائه راه حل اصولی و مشخص و عملی نقطه پایانی بر این درگیری‌ها نهاده، راه را برای قطع درگیری‌های کنونی باز نماید. اجتناب از برخورد های نظامی دیگر بدون برخورد شخص و دمکراتیک با مسائل و اختلافات می‌بایست دو نیرو بدون تردید امکان پذیر نیست. دیگر آتش‌بس بدون برنامه بدون تعیین حد و مرزهای معین سیاسی اختلافات موجود بین حزب دمکرات و کومه‌له و التزام به اصول شخص محصل مسائل کنونی مبارزه در کردستان امکان پذیر نخواهد بود. صالیه پایان دادن به درگیری‌ها با فضاحت نظامی این یا آن طرف عملاً پایانی نخواهد داشت.

آنچه که می‌تواند در این زمینه موثر افتد تنها برخورد مشخص و ارائه راه حل سیاسی است. آنهاست. مواضع طرفین و راه حل - های ارائه شده از سوی آنها صلاً نمی‌تواند و نخواهد توانست هیچ گاه و با توجه به رابطه فیما بین دو نیرو، به پایان درگیری‌ها ککشی نماید. حزب دمکرات با یک سری شرط و شروط پیش آمده است که اصولاً نمی‌تواند نه تنها چارچوبی برای مذاکره و آتش‌بس باشد بلکه عملاً سد راه چنین روندی نیز گشته است و هیچ وجه به عنوان چنانی برای حل صالیه نمی‌توان بر آنها انگشت گذاشت. کومه‌له نیز علیرغم ارائه یک سری اصول ککشی در اعلامیه حقوق پایه ای زحمتکشان کردستان، آن اعلامیه را چنانی هرگونه توافق قرار داده است. این چنانی نیز به تنهایی قادر به حل شخص صالیه نیست چرا که این گونه اصول کلی اگرچه نسبت به گذشته گامی به پیش محسوب می‌گردند، ولی به هیچ وجه کافی نبوده و نیستند و به خصوص راه حل مشخص و عظمی برای حل محضات کنونی نمی‌تواند باشند. از این رو ما معتقدیم تنها امری که در شرایط کنونی قادر به حل مسائل فیما بین حزب دمکرات و کومه‌له خواهد بود، نه تنها شرط و شروط غیرعظمی و غیر - دمکراتیک و با یک سری اصول کلی، بلکه اساساً یک راه حل عظمی و شخص بر بنیان یک توافق سیاسی فیما بین دو نیرو خواهد بود. که بتواند خود این امر به پیش شرط هرگونه توافق کلی و جزئی دیگر قرار گیرد. در غیر این صورت و در شرایطی که یکی از طرفین بطور یک جانبه بر قدرت نظامی یا شرط و شروط غیر دمکراتیک خود تاکیده نماید، این درگیری‌ها همچنان ادامه خواهد یافت و در شرایطی که رژیم در تدارک حلات گسترده خود می‌باشد، در محمل ضربات مهلکی را به جنبش انقلابی خلق کرد تحمیل خواهد کرد که به هیچ وجه قابل توجه نیستند. عدم درک ضرورت‌های کنونی جنبش از سوی هر نیروی که باشد یا هر اندازه توان و گسترش توده ای عظیمی جز بی‌کفایتی سیاسی آن نیرو و محدودیت دیدگاه و اهداف و نیز غیر اصولی و غیر دمکراتیک بودن شیوه های عظمی آن را آشکار نمی‌سازد.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت فرارسیدن

## اول ماه مه

### روز همبستگی جهانی کارگران

خطاب به کارگران سراسر ایران

کارگران مبارز سراسر ایران!

روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در حال فرارسیدن است. در این روز ملیونها کارگر در سراسر جهان بیداری و آگاهی طبقاتی و همبستگی مبارزاتی شان را علیه نظام سرمایه داری ستم و استثمار جشن می گیرند.

کارگران سراسر جهان در این روز دست از کار می کشند، تولید را در همه جا متوقف می سازند و توان عظیم خود را در برابر دنیای سرمایه دنیستای ستم و استثمار و بندگی به نمایش می گذارند و به کلیه سرچشمین سراسر جهان نشان می دهند که دوران حکومت آنان به پایان رسیده است.

طبقه کارگر ایران نیز بعنوان يك گروان از ارتش جهانی طبقه کارگر بايست از هم اکنون خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر این روز تاریخی آماده کند.

رسم ارتجایی جمهوری اسلامی، این باورترین تجسم تمام ستکبری های نظام سرمایه داری، که اشدائی ترين

حقوق انسانی را نیز از عموم نموده های زحمتکش مردم ایران بلب نموده و طبقه کارگر را از حقوق منفي و سیاسی خود محروم نموده است. حق تعطیلی روز اول ماه مه این دست آورد مبارزاتی کارگران را طغی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که بر سر کار خود حاضر شوند.

اما اسال کارگران ایران از هم اکنون باید خود را برای مبارزتی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در این روز آماده کنند. کارگران ایران باید این روز را به عرصه قدرت نمایی خود علیه سرمایه داران و رژیم پاسدار ضایع آنها تبدیل کنند.

کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماه مه در سراسر ایران دست از کار بکشند، تولید را متوقف سازند. این روز را همانند تمام کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند و با شعارهایی بر ضد جنگ ارتجایی دولتهای ایران و عراق که یکی از فترات تکیه بار و فجاجیه عده نظام سرمایه داری است دست به تظاهرات خیابانی بزنند.

کارگران سراسر ایران! قدرت، توان، آگاهی و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه نظام سرمایه داری با تعطیل روز اول ماه مه و برپایی تظاهرات ضد جنگ بنمایش بگذارید. به سرچشمین حاکم بر ایران نشان دهید که در برابر قدرت و اراده لایزال کارگران هیچ نیروی را برای مقاومت و سرکشی نیست.

کلیه فعالین سازمان از هم اکنون باید تبلیغات وسیع و گسترده ای را در میان کارگران برای خواباندن تمام کارخانه ها و مؤسسات در روز اول ماه مه، این روز همبستگی جهانی کارگران آغاز کنند و با نوشتن شعار و پخش تراکت و اعلامیه در کلیه مراکز و محلات کارگری عموم کارگران ایران را به تعطیل کردن این روز و تظاهرات ضد جنگ فرا خوانند.

زنده باد  
همبستگی و بیداری طبقاتی!  
کارگران سراسر جهان!  
زنده باد  
مردم و اراده خال ناپذیر  
کارگران به سرنگونی نظام طبقاتی  
سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم!  
سرنگون باد  
رژیم جمهوری اسلامی!  
برقرار باد  
جمهوری دموکراتیک خلق!  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۱۳۶۱/۱/۱

فدراسیون کارگران امریکا بعد از تلاشهای متعددش برای تحقق اهداف کارگران در سال ۱۸۸۶، در قطعنامه خود برای اولین بار اعلام داشت: فدراسیون اصناف و اتحادیه های مختلف کارگری ایالات متحده و کانادا مقور می دارد که از اول ماه مه ۱۸۸۶ هشت ساعت کار روزانه مدت قانونی کار خواهد بود و ما توصیه می کنیم که تمام تشکیلات کارگری

زحمتکش از فقر و گرسنگی جامعه سرمایه داری را جشن می گیرند. اسال در آستانه یکصدمین سالروز اول ماه مه ۱۸۸۶ قرار داریم. روزی که تحت رهبری فدراسیون سراسری کارگران امریکا و با قدرت ضد کارگران یکی از خواستهای همه کارگران استثمار شده جهان، یعنی ۸ ساعت کار روزانه مطرح شده و با قدرت انقلابی به نقطه عطفی در تکامل مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران بدل گردید.

مختصری

در باره تاریخچه

اول ماه مه روز جهانی کارگر

با از هم اردیبهشت ماه برابر با اول ماه مه نزدیک می گردد. روزی که کارگران سراسر جهان همبستگی مبارزاتی شان علیه زور و استثمار انسان از انسان و مبارزه برای رهایی همه نموده های

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

"کارگران سراسر جهان متحد شوید"

زنجیرهای بندگی را بکشاید

شما با ارتش های بزرگ خود میتوانید

بهر خود کامیابی فانی آید "بر توت برشت"

همبستگی خود را با کارگران جهان در روز اول ماه مه جشن بگیرید .

اصال نیز کارگران ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می شتابند که اعتراضات توده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی و جنگ بطور روز افزونی رشد می یابد . بی شک مبارزات مداوم طبقه کارگر ایران به ویژه در طول یک سال گذشته تأثیرات خود را بر روند شکل گیری اینگونه اعتراضات توده ای که امروز برای رژیم را به لرزه انداخته بر جای گذاشته و در این دوره نخستین از جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان تأثیرات بازم مؤثرتری بر جای خواهد گذارد . تصمیم پیروزی این مبارزات سازماندهی، هدایت انقلابی و هدفمند آنها قطعاً تحت رهبری کارگران مکن خواهد بود . از همین رو در این مرحله از تکامل مبارزه طبقاتی انجام نقش تاریخی طبقه کارگر با وضوح بیشتری اهمیت یافته و بایستی طبقه کارگر ایران با اراده ای قاطع روز اول ماه مه را به روزگشترش و تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و علیه جنگ اجتماعی بدل ساخته و در اعتصابات و تظاهرات سازمان یافته علیه سرمایه داران و استثمارگران حاکم و حاکمیت آنها و همچنین قدرت عظیمی را بنمایش گذارد که بنسواند شایستگی خود را در امر رهبری انقلاب به اثبات رسانیده و مهر خود را بر تارک جنبش کارگران و زحمتکشان سراسر ایران بکشد .

اصال کارگران آگاه و انقلابی ایران با برگزاری روزی اول ماه مه علاوه بر اعلام همبستگی عینی خود با کارگران و هم زنجیرانشان در سراسر جهان باید اول ماه مه را به یک نقطه عطف تحول بخش در انقلاب ایران تبدیل نمایند .

نمایندگان کارگران امریکا تصمیم گرفت بخاطر کشتار کارگران شیگاگو روز اول ماه مه، بنام روز کارگر در سراسر جهان اعلام گردد . و در این روز کارگران سراسر جهان در هر کجا که هستند به یاد حسان باخترگان و زندانیان شیگاگو محاسن مبارزگی تشکیل دهند و خواسته های کارگران را مطرح سازند . همچنین با برگزاری راهپیمایی و تظاهرات اتحاد خود را مستحکم و مبارزه خود علیه سرمایه داری را گسترش دهند .

در کنگره بعدی انترناسیونال



تصریح گردید که بایستی به خصلت طبقاتی تظاهرات اول ماه مه برای هشت ساعت کار و دیگر خواستهائی که منجر به تصویب مبارزه طبقاتی می گردد، تاکید ورزیده شود و ضمن اول ماه مه با توقف کار و برگزاری تظاهرات گرامی داشته شود . بدین ترتیب اول ماه مه به روز همبستگی جهانی کارگران علیه سرمایه داران بدل گشت .

طبقه کارگر تهران ایران نیز در طول حیات پر فراز و نشیب خود طی دهها سال گذشته به آنها گوناگون این روز تاریخی را گرامی داشته و گوشیده است تا

مختصری در ساره تاریخچه

اول ماه مه

نیز در حوزه فعالیت خود از تاریخ فصول این تصمیم را به مورد اجرا گذارد . ضحاک این فراخوان اعتصاب و تظاهرات کارگری در پشتیبانی از شمار ساعت کار در روز جهانی یافت و هزاران کارگر را به رودر روشی منظم با سرمایه داران کشانید .

روز اول ماه مه در حالیکه سرمایه داران، صاحبان صنایع و ارگانهای اجتماعی خود را برای سرکوب کارگران آماده کرده بودند، شهرهای مهم امریکا نظیر شیگاگو، نیویورک، بالتیمور و واشنگتن ... را اعتصاب فراگرفت . مرکز اعتصابات در شیگاگو بود . روز اول ماه مه ۲۰ هزار کارگر در شیگاگو دست از کار کشیدند و در دوسه روز بعد تعداد اعتصابیون به سرز ۸۰ هزار نفر رسید .

پلیر کارگران بی دفاع را به گلوله بست و در برابر خیزش عظیم کارگران با توطئه ای از قبل طرح ریزی شده، یورش خود را به آنان آغاز کرده و با شلیک بی وقفی کارگران رهبا نفر را کشته و زخمی کرد و رهبران جنبش اعتصابی دستگیر و به بیدادگاه سرمایه داران کشیده شدند و در حالیکه دلاوران به دفاع از ضایع کارگران برخاستند، استوار و مستحکم خود نظام سرمایه داری را به حاکمه کشیدند و با صلابت خود شکوه و عظمت کارگران قهرمان اعتصابی را به نمایش گذاشتند . هر چند سرانجام علیرغم اعتراضات و مبارزات کارگران سراسر جهان و سازمانها و احزاب انقلابی دنیا، چهار تن از آنان به جوخه اعدام سپرده شدند و عده ای دیگر به زندان محکوم گشتند . اما با وجود این جنبش کارگری امریکا با رشد و انقلابی روز افزونی خود توانست حق ۸ ساعت کار روزانه را رسماً بخشیده و آن را به سرمایه داران تحویل نماید .

اولین کنگره انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹ بنا بر پیشنهاد

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



# هشدار به راهکارگر

کمیته پر تحقیقی یاد شده و از کلیه نیروهای هم‌آورد سازمان خواسته شده است که اگر چنانچه ارتباطی با فرد مذکور دارند ارتباطات خود را با وی قطع کنند و با هرگونه اطلاعی در مورد وی دارند، این اطلاعات را فوراً در اختیار سازمان قرار دهند. با وی ارتباط داشته باشد، اما این اطلاعات را در اختیار سازمان ما قرار ندهد و حتی دست به تکمیل او را قی بزند که با جعل کلیشه‌های گشرباست سازمان ما صورت گرفته است. این اعمال در حقیقت رواج بی‌پروایی در جنبش پرستش با زدن به پرنسپ‌های انقلابی و دخالت در امور سازمانهای دیگر است.

آیا حقیقتاً راه کارگر از ماجرای دو سال پیش مجاهدین و مزدور خائنی که طبعاً دست رهبری مجاهدین شده بود و جز بی‌حیثیتی و رسوائی بیشتر چیزی عاید آنها نکرد، درس لازم را نیاخته است؟

راه کارگر قطعاً باید بداند که ما نسبت به خائنین به طبقه کارگر و سازمان فدائی گذشته نخواهیم کرد. از این رو به راه کارگر هشدار می‌دهیم که در دام توطئه‌های بورژوازی خود را گرفتار نکند، دست از هم‌آوایی با بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بردارد. کسانی را که از سوی سازمان ما به عنوان خائن به جنبش معرفی شده‌اند، از صفوف خود طرد کند و هرگونه اطلاعاتی که در مورد ضربات زمستان ۶۲ و عنصر خائنی که به‌شبهه کمیته پر تحقیقی در خدمت رژیم قرار گرفت، دارد، آن را در اختیار سازمان ما قرار دهد و از این اعمال و شیوه‌های غلط و غیر اصولی خود رسماً انتقاد کند. ما دام که راه کارگر از این برخوردهای غیر اصولی خود انتقاد نکند، هرگونه مساعدت را با وی قطع می‌کنیم و از کلیه نیروهای سازمان و هم‌آوران می‌خواهیم که هرگونه رابطه‌ای را با این سازمان قطع نمایند.

سرپی گرایش به راست روز افزون راه کارگر و نزدیکی این جریان به ایس‌و‌ن‌س‌ن‌های بورژوازی نظیر شورای ملی مقاومت و اپوزیسیونهای خائن اکثریت، اخیراً این جریان در کینه‌گیزی و تبلیغات ضد فدائی، به طیف بورژوا - لیبرالها و چپ‌نماهای لیبرال که یک لحظه از تلاش خصمانه علیه طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فروگذار نمی‌کنند، پیوسته است. راه کارگر در پی موضع‌گیری‌های ضد فدائی چند ماهه اخیر خود در همراهی با شورای ملی مقاومت و بانده ضد انقلابی اکثریتی‌های خائن، طی اطلاعیه‌ای به تاریخ اول فروردین ماه یک هزار و سیصد و شصت و چهار، با فحاشی و توهین به سازمان به این موضع‌گیری‌ها و اقدامات ضد فدائی خود، جنبه رسمی بخشیده است و با دفاع از تمام خائنینی که طی چند سال اخیر در ضربه زدن به جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌اند موضع خصمانه خود را نسبت به سازمان آشکار نموده است. این اقدامات راه کارگر تا بدانجا پیشرفته است که حتی به پرنسپ‌های انقلابی نیز پشت پا زده و به دفاع آشکار از خائنین برخاسته است.

راه کارگر اگر اندکی به پرنسپ‌های انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد، قطعاً باید بداند که برخوردهای مفرضانه و توأم با فحاشی در شان یک سازمان سیاسی نیست.

راه کارگر اگر اندکی به پرنسپ‌های انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد، قطعاً باید بداند که مجاز نیست کسانی را که از سوی سازمان ما به‌شبهه خائن به جنبش معرفی شده‌اند و در ضربات سال ۶۰ که ضربه به شهادت تعدادی از اعضاء کمیته مرکزی و دیگر کادرهای برجسته سازمان ما گردید، مسبب اصلی شناخته شده‌اند، به صفوف خود بپذیرد.

راه کارگر اگر اندکی به پرنسپ‌های انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد، قطعاً باید بداند که هیچ سازمان سیاسی مجاز نیست فرد خائنی را که در ضربات زمستان سال ۶۲ به سازمان ما نقش مهمی داشت و طی اطلاعیه ۲۵ تیرماه سال ۶۳ خطاب به کارگران، اعضاء و هم‌آوران سازمان از وی به عنوان

کمیته مرکزی  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
هفتم فروردین ماه ۱۳۶۴

حزب دمکرات

سرخمرده ارگندشته، نویسنده از آینده

آینده منور و محکوم بشناسد. اما حزب دمکرات کردستان با صدور اطلاعیه ای نه تنها خواست مجاهدین خلق را اجابت نکرده است، و بر قطع مذاکیره و صنوع و محکوم دانستن آن گردن نهاده است، بلکه صرفاً بر شرایط کنونی هرگونه مذاکیره ای با نمایندگان رژیم خمینی را امری بیپایه تلقی نموده است (اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب دمکرات ۱/۱/۶۴)

سواله مذاکیره حزب دمکرات کردستان ایران با رژیم جمهوری اسلامی و ناگفته یک جانبه حزب دمکرات بر ادامه این مذاکرات جدا از مضمون اختلافات این حزب با سازمان مجاهدین خلق ایران، که از حقوق خاص خود برخوردار است اینک به یکی از مسائل جنیش انقلابی خلق کرد بیدل گشته است و تأثیرات خود را در تحای زمینه ها بر جای گذاشته است. این امر نه تنها از نقطه نظر مائل مربوط به وضعیت کنونی جنیش انقلابی خلق کرد بالخصوص بلکه جنیش انقلابی کارگران و محکشان در سراسر ایران بالعموم، و با توجه به شرایط کنونی مبارزه طبقاتی در ایران قابل تأمل و ارزیابی در تغییر سری است. باید روشن گردد که سیاست امروز حزب دمکرات کردستان ایران چه اهدافی را دنبال می کند و سیاست او چه تأثیراتی می تواند در شرایط کنونی بر جای گذارد. و کلاً چشم انداز چنین سیاستی چیست؟

آنچه که مسلم است، سیاست امروز حزب دمکرات یعنی مذاکیره با رژیم و تأکید روی آن، بیشه در واقعیات سیاست های گذشته حزب دمکرات دارد و بطور قطع نتیجه عطفی سیاست های دیروز این حزب در برخورد به مسائل جنیش و ضروریات عطفی آن هست لذا نگاهی به آخرین تحولات در این زمینه راهگشای درک برخورد اصولی با سیاست امروز حزب دمکرات خواهد بود.

مسئله آنچه که به اختلافات

فیمابین حزب دمکرات و سازمان مجاهدین خلق ایران مربوط می شود، واقعیت امر این است که حزب دمکرات طی تمناصی نیروهایی که تصور می کردند شورای ملی مقاومت و برر اس آن مجاهدین خلق ایران قادر است بطور ضروتی و در کوتاه مدت به تمهض قدرت از بالا نائل آمده، جایگزین دارو دسته های حاکم گردد، از چنین چشم اندازی نا امید گشته است و شورای ملی مقاومت و مجاهدین نه تنها به روز شمارها و ماه شمارها و سال شمارهای خود نتوانسته اند تحقق بخشند، بلکه به مسازات از دست دادن هرگونه امکان دستیابی به قدرت، نتوانسته اند اعتبار معاف بورژوازی را نیز به خود جلب کنند و در نتیجه امروز ناموفق تر از همیشه از اهداف اولیه تشکیل این ائتلاف به مراتب دورتر گشته اند. امری که مجاهدین خلق همه هستی خود را در گرو آن نهاده بود و هنوز هم به شکست سیاست و برنامه خود باور ندارد. اما برخلاف تصور مجاهدین خلق، سیر حوادث در طول چهار سال گذشته دنیای توهم را در هم نور دیده است جایگاه قطعی سیاست هارا آشکار ساخته است با زدودن اوهم ناشی از سرودهای اولیه مجاهدین، دمکراتیزه کردن جمهوری اسلامی را بیش از همیشه از انحصار تنها اکثرانیو مجاهدین به در آورده است و سیاست و خط و مشی آنها را با درشتکشی گامی رو برو ساخته است.

آنچه که امروز به خط فاصلی بین حزب دمکرات و مجاهدین خلق بیدل گشته است نه تنها نفسی اصول حاکم بر حرکت شورای ملی مقاومت که اساساً صدر نفسی کلیت رژیم جمهوری اسلامی نبود، بر عکس در صدر حفظ پایه های اصلی قدرت آن و تنها تمویض سیرهای آن با مجاهدین خلق و جذب پایگاه آن در میان بورژوازی بود، بلکه در واقع پس اعتقادی حزب دمکرات به کلیت و امکان مجاهدین خلق در احراز چنین موقعیتی بوده و هست. از همین رو نیز هست که حزب دمکرات در شرایط کنونی در صد گشودن چشم اندازهای جدیدی برای سیاست های خود، خارج از شورای ملی مقاومت برآمده است.

آیا با اعلام مذاکیره با رژیم، تغییر محسوسی در سیاست های حزب دمکرات رخ داده است؟

مسئله پاسخ این سوال منفی است. زمانی که حزب دمکرات تمناصی اهداف خود را به برنامه و طرح خود مقتاری شورای ملی مقاومت محدود ساخته است، چه فرقی برای حزب دمکرات خواهد داشت که تحقق آن را از طریق حضور در شورای ملی مقاومت و ائتلاف با مجاهدین یا از جناح دیگری از بورژوازی ایران از جمله جناح های حاکم طلب کند.

طرح شورای ملی مقاومت برای خودمقتاری کردستان، خواهان هیچ گونه تغییر اساسی در وضعیت حاضر و در ساخت قدرت حاکم نیست. همانگونه که هیچگونه حق دمکراتیک و ارگان دمکراتیک توده ای را نیز به رسمت نمی شناسد. بلکه بر عکس بر حفظ بی قید و شرط ماشین دولتی حاکم و استبدادی بوروکراتیک آن تحت عناصین مختلف پای می فشارد. درست به همانگونه که خود شورای ملی مقاومت خواهان هیچگونه تغییری اساسی در وضعیت حاکم نبوده و نیست و تنها جرح و تعدیلاتی در قدرت حاکم را در برنامه خود گنجانده است. و در عین حال با حفظ و ابقای دولت مذهبی و نفسی رسمی ابتدائی ترین حقوق مسلم توده ها، مخالفت آشکار خود با هر گونه تحولات انقلابی در آینده را از همین امروز اعلام داشته است.

بنا بر این، اختلافات فیمابین حزب دمکرات و مجاهدین عملاً در چارچوبی مطرح است که اصولاً هیچ گونه ضمن برنامه ای معینی ندارد. و تنها بیانگر بحران درونی و تلاشی قطعی ائتلاف چهار ساله ای است که حول برنامه و تاکتیک های معینی شکل گرفته و پس از طی دوران روستی خود و خارج از اراده این یا آن نیرو امروز به فرجام ناگهیر خود گردن نهاده است.

بنا بر این در مضمون اهدافی که حزب دمکرات در طول چهار سال گذشته دنبال می کرده است و امروز به نحو دیگری به پیگیری آنها پرداخته است، هیچ گونه تغییری

حاصل نشده است. این تغییرات در مؤلفه های سیاسی دیگری صورت گرفته است که حزب دمکرات، دیروز بر آنها پای می فشرد و شعارهای مبارزاتی حزب دمکرات را تشکیل می دادند و بیان سیاسی اهداف مبارزاتی او با رژیم جمهوری اسلامی بودند. تغییر در آنجائی صورت گرفته است که حزب دمکرات تا دیروز با دادن شعار سرگ بر خمینی، اهداف خود را خارج از چارچوب دار و دسته های حاکم جستجو می کرد و امروز تحقق آنها را در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی نیز امکان پذیر می داند. تا دیروز حزب دمکرات بدون تحقق بهیشتراول شعار خود یعنی دمکراسی برای ایران و خودمختاری صورت گرفته بود را با هر درکی که از آن دارد، در چارچوب رژیم و بدون سرنگونی خمینی و نه حتی جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر نمی دانست و امروز با اعلام مذاکره با رژیم به امکان پذیری آن رسیده است. حزب دمکرات با دست شستن از یک ائتلاف بورژوازیسی در اپوزیسیون به سوی یک جناح بورژوازی دیگر در درون حاکمیت روی آورده است.

سلما! تا بیکری حزب دمکرات در شمار دمکراسی برای ایران، او را به این جا کشانده است این تا بیکری امروز با اعلام مذاکره با رژیم تا حد بی انتقادی ارتقاء یافته است. درست به همانگونه که شعار سرگ بر خمینی و نه حاکمیت جمهوری اسلامی او را به دست شستن از این شعار و تکلیف به موجودیت رژیم جمهوری اسلامی رسانده است. حزب دمکرات و کلا نیروهای تشکیل دهنده شورای ملی مقاومت قادر به درک این واقعیت نبودند و نیستند و در واقع مافوق طبقاتی شان اجازه درک چنین واقعیتی را به آنها نمی دهد، که رژیم جمهوری اسلامی تنها خمینی و دار و دسته های حاکم نیست، رژیم جمهوری اسلامی امروز شکل همین حاکمیت ارتجاعی بورژوازی ایران در شرایط خود صدها ایست که موجودیت نظم ستیزانه حاکم، طلب می کند تا با آوردن و اعمیه های قرون وسطایی خود، چند صباهی بر حیات این موجود مختصر بیفزاید.

### حزب دمکرات

سرخورده از گذشته، نوپیدا از آینده

و با سرکوب روشنفکران و انقلابی گران و زحمتکشان ایران فضای تنفسی را برای آن باز نماند. تلاشی که رژیم حاکم با تمامی قدرت و توان خود با توسل به سیاه ترین شیوه های سرکوب و قتل و جنایت به انجام آن همت گماشته است ولی هرگز نتوانسته است تا به امروز به اهداف ارتجاعی خود جاه عمل پوشانده، بر بحران مزمن سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه ایران بهار بزنند.

بی جهت نیست که تمامی سرجمعین جهان، در پشت سر این جنايتكار صف کشیده اند و در هم را از هرگونه تغییر و تحولات انقلابی در ایران روی حفظ و ابقای آن به عنوان سیاه ترین رژیم سرکوبگر گران و زحمتکش سرافراز کرده اند.

ولی واقعیت های جامعه ایران و مهر عروسی چارزه طبقاتی و رشد و ارتقاء آن در شرایط کنونی حتی چنین رژیم را نیز به افشاش گشایده است، پایه های قدرت آن را به لورده در آورده است و مورد هجوم روزافزون خود قرار داده است.

در چنین شرایطی است که حزب دمکرات با سرخورگی از امکان پیروزی انقلاب خود به مجاهدین، امروز در عمل به دست شستن از شعار سرنگونی خمینی رسیده است و بهیشتراول چشم پوشی از جرم و تعدیلات مورد نظر خود در بورژوازی نظامی ارتجاعی حاکم، مصالحه از شعار دمکراسی برای ایران حتی در حد همین تعدیلات نیز دست شسته است. حزب دمکرات می گوید:

"ماصفانه افیق چندان روشنی برای سقوط آن (یعنی رژیم جمهوری اسلامی) در آینده بسیار نزدیک به چشم نمی خورد" (گوردستان ۱۰۲ صفحه ۲)

حزب دمکرات از شکست تلاشهای کودتاگران و بلانکیستی مجاهدین به شکست جنبش انقلابی گران و زحمتکش ایران رسیده است، از آینده نزدیک نا امید گشته است و از چنین نقطه نظری نیز از شکست سیاسی ائتلاف

خود به نفسی سرنگونی رژیم رسیده است.

شمار سرنگونی به عنوان یک شعار عطفی مبارزاتی، به عنوان یک هدف عاجل و نه اساسی، نیز در یک زمانی مطرح می گردد که شرایط عینی تحقق آن امکان پذیر باشد و تا زمانی که چنین شرایطی وجود دارد هرگونه عدول از چنین شعارهای محکوم به شکست قطعی است، همانگونه که تاکتیک پرخطر و سلاطینستی و کودتاگرانه که شیوه معمول جریانات بورژوازی در روند رشد و اعتلای مبارزه طبقاتی است، محکوم به چنین سرنوشت فم انگیزی است، چیزی که سرنوشت امروز شورای ملی مقاومت مهداق عینی آن است.

حزب دمکرات رمز بقای رژیم در آینده، نزدیک را "ضعف، پراکندگی و بالاخره بی پوناکی نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک می داند (همانجا). اگر صاله برنامه است، بی پوناکی و پراکندگی عامل بقای رژیم است. حزب دمکرات، آنچه را که تا کنون داشته است چه چیزی می داند؟ اما از حق نباید گذشت که حزب دمکرات درست می گوید، برنامه انقلابی گذشته او، هیچ فرقی با بی پوناکی نداشت، همانگونه که انقلاب گذشته او هیچ تفاوت اساسی با پراکندگی نداشت و ندارد. برنامه و اتحاد حول آن، مضمون شخصی دارد. برنامه ای که فاقد خملت انطباقی با مضمون اساسی جنبش کنونی باشد، مفایر با اهداف کارگران و زحمتکشان سراسر ایران باشد، فرقی با بی پوناکی ندارد، همانطور که برنامه "امروز حزب دمکرات در حرکت جدید خود فاقد چنین خملت است ولی بر خلاف تصور حزب دمکرات جنبش امروز فاقد برنامه نبوده و نیست اما چنین برنامه ای الزاما هیچگونه انطباقی با برنامه دیروز و امروز حزب دمکرات ندارد.

سیاست جدید حزب دمکرات در شیوه برخورد به ماسک سرنگونی نیز همچون مسرور برنامه ای آن عملا، آن روی سکه سیاست های انقلابی دیروز است. شکست تاکتیک های ضربتی دیروز مجاهدین را حزب دمکرات می خواهد در ابتکار ضربتی صدآکره با رژیم در صفحه ۲۱

## نکاتی پیرامون ...

از صفحه ۲۲

فعالیت در این منطقه را به کسب اجازه قلمی و یا "مطلع ساختن پیشمرگان حزب" منوط نموده است.

حق برخورداری از فعالیت سیاسی، نظامی در سراسر کردستان، حق بلانسرد و دمکراتیک تمامی نیروهای انقلابی است و هیچ نیرویی نمی تواند آن را محدود نماید. و هیچ نیرویی نیز تا کنون چنین اجازه ای را به خود نداده است که بر علیه این سنت دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد، علنا و رسماً، اعلامیه صادر کند. و حزب دمکرات با استفاده از وضعیت ناشی از درگیری های خود با کرمه له، برای اولین بار رسماً دست به چنین اقدام ضد دمکراتیکسی زده است.

هدف حزب دمکرات از انتشار چنین بیانیه ای چیست؟ حزب دمکرات تصور می کند که آزادیهای موجود در کردستان را او حفظ نموده که هر لحظه بخواهد با صدور اطلاعیه ای بتواند در این عطایای بزرگ ششانه دخل و تصرف بنماید؟ آیا حزب دمکرات تصور می کند که آزادی های موجود در کردستان محصول فعالیت و طک مطلق است؟ اگر چنین امری برای حزب دمکرات مقبوسه شده باشد پرسیدنی است که حزب دمکرات به خاطر دارد زمانی که فعالیت مجدد خود را در محط و حوش قیام بهمن از سر گرفت چقدر نیرو داشت؟ حزب دمکرات از خودش سؤال کرده است که این حزب و فعالیت او در این قطع چقدر رضای بعد از قیام بهمن نقش داشته است؟ آیا گسترش فعالیت بعدی حزب دمکرات محصول وجود چنین غشاً و رومیه انقلابی نه تنها در کردستان، بلکه در همه های ایران بوده است یا برعکس وجود چنین فضائی محصول فعالیت حزب دمکرات بود؟ بدون چنین فضای دمکراتیکی که در تداوم آن بدون تردید نه تنها این با آن نیروی خاص، بلکه کلیه نیروهای انقلابی موجود در کردستان نقش داشته اند راضی فعالیت حزب دمکرات تاجه حدی توانست

گسترش یابد؟

برخلاف تصور حزب دمکرات این آزادی ها و این فضای دمکراتیک جنبش انقلابی خلق کرد محصول یک مبارزه طولانی و به هم پیوسته ای است که بعد از در هم شکستن سد دیکتاتوری پهلوی در سال ۵۷ برقرار گردیده است و بر طول شش سال گذشته علیرغم سرکوب فضای دمکراتیک روزهای بعد از قیام بهمن، در بسیاری نقاط ایران این آزادی ها در کردستان انقلابی به قیمت دهها هزار قربانی راه رهایی خلق کرد نه تنها از قید ستم ملی بلکه از قیودات و نظامات قرون وسطائی حفظ گردیده است. برای حفظ این فضای انقلابی و گسترش پیروزمند آن خلق قهرمان کرد سینماش را در مقابل توپ و تانک و بمباران و اعدام و شکنجه سپر کرده است. در طول این سالها جنبش انقلابی خلق کرد با محتوای عمیق انقلابی و پشتوانه عظیم توده ای خود هر روز بیشتر امروز بیش عرصه بزرگ ترین نیروهای انقلابی بوده، مبارزاتی که رشد و شکوفائی خود را در فضای شکوفان سیاسی جنبش انقلابی خلق کرد در طول شش سال گذشته با تمامی ابعاد آن به نمایش گذاشته است.

وجود و حضور نیروهای انقلابی مختلف با برنامه های مختلف در جنبش انقلابی خلق کرد در حقیقت بیانگر رشد و شکوفائی و رادیکالیسم درونی این جنبش و ظرفیت پذیرش توده های زحمتکش خلق کرد است. واقعتی که انگار عینی خود را در روحیات انقلابی و وضعیت دید زحمتکشان خلق کرد آشکار می سازد جنبش انقلابی خلق کرد امروز دیگر با آموزش از تجارب چنین جنبش هایی، پرسته صرفاً تاسیساتی با اهداف محدود از مبارزه ملی را بخت سر گذاشته و سرزهای نهایی را پیشروی خود گشوده است که نه تنها از محدود نگری های تنگ نظران و حصابگرانه ای که نفهم حاکم بر اطلاعیه حزب دمکرات سرآپا آفته به آن است، دور و جفا است. بلکه خود بیانگر عمق رادیکالیسم درونی این جنبش و ابعاد طبقاتی معین آن است.

امروز جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد در دفاع

از دستاوردهای خود به آنچنان رشد و افتخاری دست یافته است که هیچ نیرویی با هر اندازه وسعت عطف و گسترده گی به راحتی قادر به پایمال کردن این دستاوردها - مستقیم و غیر مستقیم - نخواهد بود. شرایط حاکم بر جنبش انقلابی خلق کرد به هیچ نیرویی در عمل این اجازه را نخواهد داد که با سیاست هایی از قبیل سیاست حاکم بر اطلاعیه حزب دمکرات در این جنبش دست به ایجاد محدودیت در فعالیت انقلابی نیروهای سیاسی در کردستان بزنند و اگر حزب دمکرات تصور می کند که با اتکاء به کمیت نیرویش می تواند بر دیگر نیروهای انقلابی امر و نهی و تحکم نماید بچار در اشتباه است. امروز دیگر هر کسی که در کردستان صلاح در دست گرفته است خوب می داند که به چه خاطر و برای رسیدن به چه هدفی این اسلحه را در دست دارد و مسلماً بر این حقیقت نیز آگاه است (و اگر آگاه هم نباشد واقعیت های سر سخت جنبش هر کسی را مجبور به درک حقایق خواهد ساخت) که کسی برای تهدید و درگیری با همکشان خود، اسلحه به دست نمی گیرد. هدف جنبش انقلابی خلق کرد برخلاف تصور حزب دمکرات کسب آزادی از ستم ملی و فقر و بد بختی ناشی از آن است نه تهدید آزادی کسانی که خود بخشی از این جنبش عظیم توده ای هستند. حزب دمکرات باید بداند که تاکنون نه تنها هیچ نیرویی، بلکه هیچ دولت سرکوبگری هم نه تنها با بیانیه ها و اطلاعیه های خود، بلکه با بزرگ ترین و عظیم ترین ماشین های سرکوب نیز نتوانسته است، نیروهای انقلابی را از فعالیت خود بازدارد یا حتی فعالیت آنها را محدود سازد و در راه اهداف آنها مادی ایجاد نماید. حزب دمکرات کردستان نه تنها نخواهد توانست چنین بکنند امروز نیز برخلاف تصور حزب دمکرات هیچ نیرویی برای فعالیت سیاسی و نظامی در کردستان از حزب دمکرات با هر نیروی دیگری اجازه نخواهد گرفت، همان طور که تا کنون و در هیچ جای دیگری نیز چنین نبوده

## نکاتی پیرامون

است. بگذارد  
بگویم کسانی هم که بر این  
تعمیلات خود دست‌انداختن  
بگذارند همچون خود چنان  
چنین سیاست‌های غیر اصولی و  
تغایر با دگرانیسم حاکم بر  
جنبش انقلابی خلق کرد ضرورت  
تمامی جنبش خواهند بود.

سازمان انقلابی شتر تنها  
در یک فضای دگرانیسم فیمابین  
نیروهای انقلابی امکان پذیر  
است و هیچ نیرویی حق تحصیل  
سیاست‌های خود به هر بهانه و  
صتمی بر دیگر نیروها را با هر  
میزان وسعت و دامنه فعالیت  
ندارد. اگر نیروهای وجود  
داشته باشند که تحمل فعالیت  
سیاسی دیگر نیروهای انقلابی  
را نداشته و طایفه خاصی را از  
همین امروز بر تهدید آزادی  
فعالیت نیروهای انقلابی و زیر پا  
نهان سنت‌های دگرانیسم  
جنبش جستجو نمایند، و با انواع  
و اقسام اطلاعات و بهانه‌ها

فاطمه با این سیاست غیر اصولی  
حزب دسکرات و طایفه تخطی ناپذیر  
هر نیروی انقلابی است. ما  
عمیقاً اعتقاد داریم که باید با  
سرخورد جدی با چنین تفکرو  
عملکردی در جنبش انقلابی خلق  
کرد، از تبدیل شدن چنین  
سیاست‌هایی به یک سنت مذموم  
در آیین جنبش جلوگیری نمود.

ما نه تنها خواهان پسر  
گرفتن این اطلاعات از سوی  
حزب دسکرات، بلکه محکوم  
کردن چنین اعمالی از سوی هر  
نیرویی که باشد هستیم.

★

و وسایل و طرق مستقیم و غیر  
مستقیم سعی در تحصیل عقاید  
و عملکردهای خود به دیگران  
برآید، باید قبل از همه در  
ماهیت عملکردهای خود و درک  
خود از دسکراسی تردید نمایند  
تا هر تصور دیگری.

در یک کلام اقدام حزب  
دسکرات اقدامی مغایر با  
سنت‌های انقلابی حاکم بر  
روابط فیمابین نیروهای انقلابی  
در جنبش و در جهت تحصیل

سیاست‌های معینی از طریق  
اعمال زور به نیروهای موجود  
در کردستان است. و برخاسته

### مجازات

#### یکی از جاسوسان رژیم

نظامی پیشمرگان فدائی در منطقه  
سقز در پی تلاش برای ایجاد  
ارتباط مجدد با مزدوران رژیم،  
در حین فرار در شب ۱۲/۱۱/۶۳  
دستگیر و قهرای آن روز بعد  
از محاکمه و اعتراف به روابط  
خود با جاسوسان محکوم به اعدام  
گردید و حکم اعدام در مورد  
ناشره در همان روز به مرحله  
اجرا درآمد.

یکی از جاسوسان رژیم به  
نام حسین عبدی فرزند علی،  
که از سال ۱۳۵۹ جزو جاسوسان  
رژیم در منطقه تکاب بوده و  
در اکثر عطیات‌های پاسداران  
شارکت داشته است و در سال ۶۳ خود  
را با یک قبضه اسلحه و ۳۰۰  
پیشمرگان کوه‌ها را در دست  
بعد از مدتی به پیشمرگان فدائی  
پيوسته بود، طی یک جوله سیاسی -

### عملیات پیشمرگه

|    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۸  | کین و کنترل جاده            |
| ۶  | چین گذاری                   |
| ۱۱ | مقابله در برابر یورش رژیم   |
| ۷  | حمله به مراکز رژیم در شهرها |
| -  | خلع سلاح پایگاه             |
| ۱  | مصادره و انهدام تاسیسات     |
| ۱۲ | حمله به پایگاهها            |
| ۴۵ | جمع                         |

|    |               |
|----|---------------|
| ۱۳ | شهدای پیشمرگه |
| ۱۵ | اهالی پی دفاع |

### تلفات دشمن

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۷۸ | کشته و زخمی              |
| ۷  | اسرای دشمن               |
| ۳  | خود رو ضدم یا مصادره شده |
| -  | سلاحهای منهدم شده        |
| -  | صهات منهدم شده           |

جدول یک ماهه  
عطیات پیشمرگان  
خلی کرد

۲۷ اسفند تا ۲۷ فروردین

### غنائم بدست آمده

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| -  | جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین   |
| ۵  | انواع نارنجک                   |
| -  | پی سی                          |
| -  | انواع فشنگ                     |
| ۸  | خسب                            |
| ۱۷ | جنگ افزار انفرادی              |
| -  | گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین |
| ۱۷ | پوشش غریب خورندگان             |

آمار این جدول عمدتاً از  
اخبار رادیوهای حزب دسکرات  
و کوشه بر گرفته شده است.

سهرکه و توبی بزوتنه وهی شورشگیرانه ی گه لی کورد

پیدا آکند.

به تعیین حدود و چارچوب اداره امور در کردستان و التزام هر دوتیرو بر آن در تمامی موارد مورد اختلاف از قبیل گمرکات و دیگر مسائل مربوط به اداره مناطق آزاد شده و اداره امور در سرمرکز کردستان و ایجاد ارگان ناظر بر این توافق ها، با مشارکت فعال دیگر نیروهای انقلابی مورد تأیید طرفین.

چارچوب فوق تنها زمینه ای است که بر جنبای آن می توان راهی برای قطع درگیری ها جست و این وظیفه هر نیروی انقلابی است که در شرایط کنونی با پشتیبانی از این چارچوب دموکراتیک و اصولی به تعهد خود در قبایل جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان عمل نماید. ما از تمامی مردم زحمتکش کردستان و از کلیه نیروهای انقلابی می خواهیم که با پشتیبانی از راه حل فوق از هر دو نیرو صراحتاً بخواهند که پیرای پایان دادن به وضعیت شغنیج کنونی اختلافات خود را در این چارچوب حل و فصل نمایند. ما از حزب دمکرات و کوه له می خواهیم که بطور صریح و روشن موضع خود را در این مورد اعلام نمایند.

بدیهی است ائتلاف هر کدام از این دوتیرو در پایان دادن به وضعیت شغنیج کنونی و طفره رفتن از هرگونه راه حل عطفی و شخه که به نظر ما نمی تواند جدا از این چارچوب باشد، نشانه عدم مسئولیت در قبایل جنبش و گرایش به ادامه درگیری ها و دادن وزن به ابعاد فاجعه بار آن خواهد بود.

## درگیری های

### حزب دمکرات و کوه له...

از صفحه ۲

از سوی هر دوتیرو با نظارت نیروهای سیاسی و التزام به تشکیل کمیتهی مرکب از نیروهای انقلابی مورد پذیرش طرفین و گشایش باب مذاکره برای حل مسائل فیما بین. طبیعی است که آتش بین ادامه دار فیما بین دوتیرو که تنها محصول توافق های اصولی طرفین خواهد بود، نیز یکی از اولین مباحث چنین مذاکراتی می تواند باشد.

۳) ارائه طرح شخص و عطفی برای آغاز مذاکره و قطع درگیری ها بر اساس آن، همانطور که بارها گفته ایم، چنین طرحی می باید بر موارد شخص مورد اختلاف طرفین در زمینه های مختلف و به ویژه عوامل اصلی بروز درگیری ها در شرایط کنونی و در جریان عملی مبارزه تأکید نماید.

اصل اساسی چنین طرح عملی و شخصی را که بتواند رابطه بین نیروهای انقلابی در کردستان را تنظیم نماید می توان در رؤس کلی زیر خلاصه نمود:

الف) پای بندی به اصل دمکراسی در چارچوب حقوقی دموکراتیک توده ها و احترام به آزادی تبلیغ و ترویج سیاسی یعنی پای بندی و التزام به حق آزادی نیروهای سیاسی در تبلیغ و ترویج اهداف و برنامه های سیاسی و ایجاد توطئه خود، آزادی و حق تشکیل هر سوی توده ها، حق انتخاب آزادانه راه و مسیر آینده از سوی خود کارگران و زحمتکشان کردستان، حمایت حقوق و آزادی های دموکراتیک آنها، حق مشارکت فعال مردم کردستان در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود از طریق ارگان های خاص خود از قبیل شوراهای صلح و انقلابی و دیگر اصولی که در تمامی زمینه ها می تواند در صورت پذیرش این اصل اساسی تدقیق هر چه بیشتر

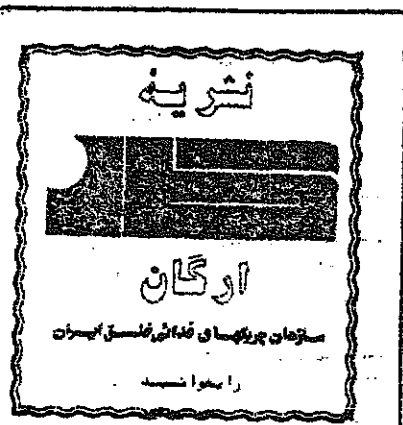
از این رو آنچه که در شرایط کنونی اهمیت اساسی و عاجل دارد، ارائه یک راه حل عطفی و شخصیتی بر اصول دموکراتیک ناظر بر جنبش انقلابی خلق کرد و دستاوردهای عظیم مبارزه کنونی است. اصولی که از یک سو چارچوب معینی را در مجموع خود نه تنها در روابط فیما بین دوتیرو، بلکه اصولاً در برخورد با برنامه ها اهداف و ضروریات عملی جنبش کنونی را مد نظر قرار داده، اساس محکمی را برای مرحله کنونی مبارزه و حل اختلافات فیما بین نیروها در تمامی مراحلی می ریزی نماید. مسلم است که این اصول نمی تواند جدا از مسائل صیرم جنبش خلق کرد در شرایط حاضر باشد، بلکه بالعکس زمینه اصلی خود را از ضروریات عاجل امروز و آینده آن گسی می نماید.

ما معتقدیم که اختلافات فیما بین حزب دمکرات و کوه له باید در مرحله کنونی رشد مبارزه طبقاتی جاری در کردستان در چارچوب اصول دموکراتیک حقیقی بر اهداف مرحله ای جنبش انقلابی خلق کرد حل و فصل گردیده، از هرگونه گسترش درگیری های نظامی اجتناب گردد و برای انجام این کار پذیرش موارد زیر از سوی هر دو تیرو تنها راه قطع فوری درگیری ها و جلوگیری از هرگونه درگیری مجدد است.

۱) پذیرش این واقعیت از سوی هر دوتیرو که حل اختلافات فیما بین در شرایط کنونی از طرق سیاسی امکان پذیر بوده و هست و هرگونه توسل به اسلحه و زبان گلوله و تهدید به درگیری های گسترده و یا سراسری محکوم و طرد است.

هر چند هر دوتیرو در شرایط حاضر به پذیرش چنین واقعیتی اذعان دارند، ولی تا زمانی که این اعتقاد در عمل و در جریان واقعی رابطه فیما بین دوتیرو نتوانسته جامعه عمل به خود ببوشد و تبدیل به یک حرکت عطفی و هدفمند و مشخص گردد، مسلماً بی اعتقادی به چنین راه حلی را به اثبات می رساند.

۲) پذیرش اصل مذکوره بدین قید و شرط و اعلام آتش بین فوری



هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

# نبرد حماسی پیشمرگان فدائی در منطقه سقز

کردستان انقلابی همچنان کانون رزم خلق قهرمان کرد است که بیش از ۶ سال است در مقابل ارتجاعی ترین و سفاک ترین رژیم های تاریخ سرافراز ایستاده و پورش پیش از ۲۰۰ هزار سزور ارتش و سپاه جمهوری اسلامی را با پیشرفته ترین ادوات جنگی آن ناگام گذاشته است.

فقط با پشتوانه و حمایت بسی نظیر این خلق انقلابی است که پیشمرگان دلیر کرد در هر روز و هر لحظه در میان شمار پادگانها، در شب شهرها و در کنار اردوگاههای نظامی دشمن حماسه ها می آفرینند و هر روز و هر ساعت در نبردی نابرابر لشکری از ارتش ارتجاع را به کام مرگ می فرستند. همین رزم دلیرانه هر روز ادامه دارد و شرافت و نیز با قدرت و توان هر چه پیشتر طلسم آدامه خواهد داشت. نبرد حماسی اخیر پیشمرگان فدائی در منطقه سقز نقطه کوفه ای از این نبراست. پیشمرگان فدائی گاه در واحدهای تک یا دو نفره، سرایکین درگیری های چندین ساعته، آنچنان تهوری از خود نشان داده اند که از نظر یک فرد نا آشنا به وضعیت کردستان و بیگانه از روحیات انقلابی خلق کرد، قابل تصور نخواهد بود.

صبح روز ۲۷ بهمن ماه گذشته، تعداد بیشماری از جاش های خود فرودخانه شاطیق سفید، سرخان، دیواندره، افشار، سقز و گاهاران برای به کمین انداختن پیشمرگان دلیر کرد، روستاهای اطراف سقز را به محاصره خود درآوردند.

جاشهای مزبور که از فعالیت انقلابی یک دهه از پیشمرگان فدائی در اطراف شهر سقز مطلع بودند تا حدود ساعت ۱۲، ۳۰ دقیقه این روستاهای علی آباد گرم آباد، لگبی، هلاکین، چاخلو و کاسی - خان را در منطقه جنوب سقز بطور کامل محاصره کردند.

در روستای علی آباد حدود ۲۰ کیلومتری شهر سقز، یکی از پیشمرگان فدائی به محاصره جاشهای مزبور در می ایستاد. جاشها بر حالیکه گرداگرد روستا را گرفته بودند، در داخل مسجد و اطراف خانه و همه کچه های روستا سنگر گرفتند و دسته ای دیگر به سوی خانه ای که رفیق پیشمرگ در آن بود پیشروی آوردند. آنها پشت بام و اطراف دیوارها، خانه را کاملاً به محاصره درآوردند و با فریاد از پیشمرگ فدائی خواستند که خود را تسلیم کند. اما وقتی از

این کار میسر شدند به شکل خنجر آمیزی اتاقهای خانه را به گبار بستند و پرتاب نارنجک را آغاز کردند. خانه از نظر نظامی موقعیت مناسبی نداشت. اطرافش خالی و از یکطرف چسبیده به مسجد بود. اقدام به شکنج محاصره قابل تصور نبود. جاشهای سنگر در مسجد تا صاف های دور را زیر کنترل خود داشتند. جاشها اتاقی را که تصور می کردند پیشمرگ فدائی در آنست با آر. پی. جی به آتش کشیدند و پس از مدتی تیراندازی صدها ای از اهالی روستا را به داخل خانه فرستادند تا بتوانند پشت آنها سنگر بگیرند و قدرت عمل را از رفیق پیشمرگ سلب نمایند. در این هنگام یکی از جاشهای مزبور بنام "صالح مایلی" طبق به "صالح قره بخره ای" که فرمانده این متون بود به همراه دو جاش دیگر به خیال اینکه پیشمرگ فدائی به شهادت رسیده است، وارد خانه شدند. رفیق پیشمرگ که خود را روی نعل گاه پنهان کرده بود، به محض مشاهده آنها، قلب سینه اش سزوران را نشانه گرفت و به سوی آنها آتش گشود. "صالح قره بخره ای" و یکی دیگر از جاشها به نام "کریم سفیدجی" در دم بهلاکت

رسیدند و نفر سوم که فرصت یافته بود یک رگبار به سوی رفیق پیشمرگ سازمان بگشاید. سرت از میله گریخت. یکی از گلوله ها گردن پیشمرگ سازمان را شکست و خون تمام صورت او را فرا گرفت. قدرت خطری رفیق پیشمرگ را به مدت ۱۵ دقیقه بی هوش کرد و او را در زمین انداخت.

مرحمت عمل رفیق در بهلاکت رسانیدن این دو جاش مزبور، نفس همه پادگانان و جاشهای سزور را بند آورده بود. حتی لحظاتی بعد از آنکه رفیق پیشمرگ سازمان بهوش آمده بود، هیچ کس در نمی آورد. هر گونه حرکتی از جاشها سلب شده بود. هیچ صدای تیری از جاشها شنیده نمی شد. جاشها و پادگانان پشت سنگرهای خود کز کرده بودند و جرات در پیشروی آوردن نداشتند. رفیق پیشمرگ تازه بهوش آمده بود که جاشها برای حیران این شکست خفت بار پاری دیگر به داخل خانه پیشروی آوردند. اما رگبار مسلسل پیشمرگ فدائی مبتلایان تعداد و یکی دیگر از جاشهای مزبور منطقه سقز بنام "محمد لاجوا" مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح روی زمین افتاد. دهماره لحظاتی سکوت بر فضای خانه حاکم شد.

حدود ساعت ۴ بعد از ظهر بود که سزوران چند نفر از اهالی راپور به داخل خانه فرستادند که جنازه جاشها را از داخل خانه منتقل کنند. رفیق پیشمرگ دو قفسه کلاشینکف جاشها را همراه با مهماتشان صادر کرد و بخاطر حفظ جان روستاییان، اجازه دار اجساد را خارج نکرد. سزور با استفاده از فرصت شغل سوراخ کردن دیوار اتاق شد و موفق گردید به انبار خانه راه باز کند. او خود و ملاحهای به خدمت گرفته شده را به درون انبار کشید و ضمن تیراندازی ضده دست به کار شد تا شگای دیگری بسوی بیرون از انبار بگشاید. در این هنگام جاشها دهماره خانه را زیر آتش آر. پی. جی و نارنجک گرفتند و با پخش گاز فیل و نفت از سقف خانه همگی اتاقهای آن را به آتش کشیدند. رفیق پیشمرگ آخرین خشت دیوار را با نوله سلاح خود نگهبان اطراف خانه ضربه

سرمشک گذاشتن بر شکمهای خود، پیکر این دو رفیق را در روز ۲۸ بهمن ۶۳ به داخل شهر سقز برده و در ملاعام به نمایش گذاشتند.

شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شهادت این دو رفیق قهرمان رفقا احمد محمدی و محمد رضوی را به خانواده های زحمتکش این دو رفیق تسلیت می گوید.

باشد روزی که جانبازی فرزندان این خلق قهرمان، مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران را استوارتر سازد.

### صلیات

#### در داخل شهر سقز

در روزهای ۱۶ و ۲۱ اسفند ماه گذشته، دو تن از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شهر سقز، که قصد پیوستن به صفوف پیشمرگان سازمان را داشتند، طرز دو عملیات پیاپی در تونل از جاش های مصروف سقز را به هلاکت رساندند. اولین عملیات ساعت ۱۱ صبح روز ۱۶ اسفند ماه صورت گرفت که طی آن جاش معروفی به نام "محمدظاهری" را با اقدام انقلابی به سزای جنایات خود رساندند. در این عملیات اسلحه گری این جاش خودفروشی صادره انقلابی گردید.

دوین عملیات ساعت ۷/۵ بعد از ظهر ۲۱ اسفند، توسط همین دو رفیق صورت گرفت. آنان در محل پل بزرگ شهر سقز، دو نفر از مزدوران گشت تارالله را که سوار بر موتورسیکلت بودند، مورد حمله قرار دادند که در نتیجه یکی از آنها بهلاکت رسید و دیگری زخمی شد. این دو رفیق بعد از این عملیات پیروزضدانه به صفوف پیشمرگان پیوستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
شاخه کردستان

۸ / فروردین ۶۴



## نبرد حماسی

گسیل داشته بودند، دستگیر شد.

جاش های مزدور برای دستگیری این رفیق، خود را به نام پیشمرگان یکی از نیروهای سیاسی کردستان معرفی کردند و او بدین توجیه به این حمله رزم و با این تصور که آنها نیروی پیشمرکه هستند، فرصت استفاده از سلاح را نیافت و به دست مزدوران اسیر شد.



و بالاخره شاکاه همین روز یعنی ۲۷ بهمن ماه، یک واحد دیگر از پیشمرگان فدائی که برای انجام مأموریت سازمانی به طرف روستای لکزی در منطقه جنوب سقز در حرکت بودند، بدون اطلاع از تعرض گسترده نیروهای سرکود رژیم جمهوری اسلامی، به روستاهای این منطقه در نزدیکی روستا به کوهستان مزدوران افتادند. با این حال به سرعت خود را از کوهن پیروان کشیدند و به مقابله با مزدوران پرداختند. در این درگیریها که چندین ساعت بطول انجامید، دو رفیق مورد اصابت گلوله های دشمن قرار گرفتند و به شدت زخمی شدند. رفیق احمد محمدی از رفقای فعال تشکلات شاخه طبرقم آنکه در همان اولین درگیری درگیری مجروح شده بود پس از نبردی قهرمانانه به منظور حفظ اسرار سازمانی با آخرین گلوله خودش خود را به شهادت رساند و در راه اوصان پروتارها جان باخت.

رفیق دیگر محمد رضوی رفیق وریا در حالیکه به شدت زخمی شده بود به اسارت مزدوران درآمد. وی بخاطر مقاومت انقلابی برای حفظ اسرار سازمانی پس از سه ساعت تحمل سخت ترین شکنجه ها به جوغه اعدام سپرده شد و در راه صوبالیم جان باخت. پاسداران و جاشهای مزدور، برای ایجاد جو رعب و به منظور

تهدید و مهل استقرار او را زیر رگبار مسلسل و تارتیک گرفتند. دیگر دو و آتش همه آنها و انبار را فرا گرفته بود.

او تصمیم گرفت برای آنکه بدست جلازان نیفتد، به زندگسی خود خانه رهد. لوله سلاحش را زیر چانه گرفت و انگشت را روی ماشه گذاشت. اما نه، به یاد "اسکندر" افتاد. سیامک اسدیان، نبردهای قهرمانانه او را در کردستان دیده بود و آوای پیروزش را می شناخت. فدائیس خلق سلاح نمی شود، گر آنکه کشته شود.

کمونیتها برای پیروزی هیچ فرصتی را از دست نمی دهند. اگر قرار است کشته شود چرا که در صحنه نبرد نیاشد. سرعت برخاست و سلاحش را از گلوله های دشمن پر کرد و با این نارنجکهای را کشید. از شکاف سقف یکی را روی پشت بام انداخت و دیگری را همزمان به داخل حیاط. پاسداران از ترس انفجار از پشت بام به زیر پیدند و دیگران از درون حیاط خانه گریختند. رفیق پیشمرگ با رگبار بی اتان مسلسل خود رابه روی پشت بام رسانید و جنگی مزدوران را زیر آتش گرفت. ساعت حدود ۵/۵ بود، هوا تازه روبره تاریکی می رفت، که یک قسمت از خانه بر اثر انفجار نی. آن. نی. مزدوران فروریخت. مزدوران دو دست دیگر از جاش ها را نیز از روستای جاخلو و کسرم آباد به کمک طلبیده بودند تا در ادامه شکست خود صمیمشان کنند. حدود ساعت ۷، هوا دیگر تاریک شده بود که پیشمرکه فدائی آخرین رگبار گلوله خود را بسوی دسته ای از مزدوران نشانه رفت و زهر حیات رگبار خود از بام خانه به زیر رسید. حلقه محاصره را شکست و از دل کوههای پر برف گذشت و پیروزضد و سرافراز به پایگاه خود رسید.



صبح همین روز یکی دیگر از پیشمرگان سازمان، که برای انجام مأموریت به روستای "قاضی خان" منطقه "نیله کوی" سقز رفته بود، توسط دسته دیگری از جاشهای مزدور که در همان روز نیروی صمیمی را به این منطقه

بناسبت دهم فروردین سالروز شهادت

## قاضی محمد ، رهبر نخستین جمهوری خودمختار کردستان

دهم فروردین ماه هادف با سالروز شهادت قاضی محمد ، رهبر نخستین جمهوری خودمختار کردستان در سالهای ۱۳۲۴-۲۵ است. در چنین روزی بود که رژیم پهلوی بعد از سرنگونی جمهوری خودمختار و سرکشی جنبش انقلابی در کردستان قاضی محمد و دیگر رهبران جمهوری از جمله صدر قاضی و سیف قاضی را به دار کشید .

جنبش ملی کردستان در سالهای ۲۴-۲۵ در حقیقت همچون جنبش انقلابی سراسر ایران بعد از سقوط دیکتاتوری رضاشاه در شهریور ۲۰ بر زینه بحران سیاسی بعد از سقوط دیکتاتوری پا گرفت و در سال ۲۴ به دنبال اعلام جمهوری خودمختار در آذربایجان ، در کردستان نیز جمهوری خودمختار تشکیل گردید با تشکیل این جمهوری مبارزات کارگران و زعمتکشان سراسر ایران وارد مرحله حصار و جدیدی گشت.

جنبش ملی سال ۲۵-۲۴ برای پایان دادن به خصم ملی که در دوران دیکتاتوری رضاشاه به بهانه ترین شکل آن اعمال گشته بود و کسب حقوق دیکتاتیک خلق کرد شعله ور گردید و قبل از همه ریشه در واقعیت های زندگی اجتماعی در کردستان داشت . و بدون ایجاد تغییرات اساسی در ظاهرات اجتماعی حاکم و تحقق بخشیدن خواست های بحق عموم زعمتکشان خلق کرد نمی توانست پایبر جای مانده و به حیات انقلابی خود تداوم بخشد . عوامل متعددی از جمله در اساس عدم برخورد جدی به این واقعیت و تیز بها ت دادن به سازماندهی و تسلیح توده های زخمکش حول اهداف انقلابی آنها و دست آخر کم بها دادن به ایجاد ارتباط ارگانیکی مبارزات با جنبش انقلابی کارگران و زعمتکشان سراسر ایران شکست نخستین جمهوری خودمختار در کردستان

را اگانه پذیر ساخت و در اولین یورش رژیم ارتجاعی پهلوی و دولت سرکشی به کردستان جمهوری خودمختار کردستان در هم شکست و رهبران آن دستگیر شدند .

قاضی محمد در آخرین روزهای حیات جمهوری خودمختار که دیگر یورش رژیم به کردستان قطعی شده بود برخلاف بسیاری از رهبران این جمهوری و اطرافیان خود که اکثر آنها را قتل و الحاق خان ها تشکیل می دادند سیاست دفاع از جمهوری و حقانیت آن ماندن در کنار توده های زخمکش را برگزید . اما بسیاری از اطرافیان او زمانی که روز هادف قطعی با ارتجاع حاکم بر ایران فرا رسید فرار را بر قرار ترجیح دادند . اما قاضی محمد در مقابل یورش رژیم ایستاد و مرگ با افتخار را بر تنگ فرار ترجیح داد و سبقت پایداری را از خود بر جای گذاشت . او سنگر دفاع از جمهوری را ترک نکرد و در راه دفاع از حقوق حقه خلق کرد جان باخت .

رژیم پهلوی تصور می کرد با سرکب جمهوری خودمختار و اعدام قاضی محمد و دیگر یاران او می تواند به سیاستهای ارتجاعی خود در کردستان برای همیشه ادا دهد . و کسی را برای مقابله بنیاد او نخواهد بود . اما جنبش انقلابی خلق کرد برای احقاق حقوق حقه خود در کردستان فراتر از آن بود که دشمن فکر می کرد . جنبش انقلابی در کردستان ریشه دار تر از آن بود که ارتجاع تصور می کرد . رهائی ملی هدف و آرمان خلق زخمکش کردستان بود . رهائی ملی برای توده های زخمکش کردستان قهومی جز رهائی از نظامات پوسیده و کهنه شمرنی و خان - خانی و ستم بی حد و حصر ناشناختنی حاکمیت ستم ملی نداشت و همان اهداف و آرمانی که هنوز هم خلق قهرمان کرد با تمام توان منجمتیر از پیش برای رسیدن به آن

پای می فشارد .

با سرکوب اولین جمهوری خودمختار جنبش انقلابی خلق کرد از پای نیفتاد ، با آسوزش از نخستین تجربه خود دوباره سر بر آورد ، نخستین شعله های آن در سال های ۲۷-۲۶ هر چند بطور پراکنده اما با عزمی استوار دوباره زبانه کشید اما با اوجگیری مبارزات توده های کارگر و زخمکش سراسر ایران در سالهای ۲۷-۲۶ و به دنبال آن بعد از قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۲۷ مبارزات خلق قهرمان کرد وارد مرحله جدیدی گشت و با زنده نمودن ستمهای پایداری مبارزاتی خلق کرد عرصه های نوینی را پیش روی خود گشود .

جنبش انقلابی خلق کرد بعد از سرنگونی رژیم پهلوی با قدرتی هر چه بیشتر برای تحقق اهداف دیرینه خود در مقابل رژیم تازه به قدرت رسیده به دفاع از دستاوردهای خود برخاست . و تسلیح عمومی توده ای در کردستان تحقق گردید و زعمتکشان کردستان از همان روزهای نخست بعد از سرنگونی رژیم پهلوی قهرمانانه به مقابله با هر گونه تلاش ظهروانه رژیم جمهوری اسلامی برای اعادة وضعیت متحرانه گذشته برخاستند . اینک بهیشت از شش سال است توده های زخمکش خلق کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خود یکی از عظیم ترین مبارزات خلقهای تحت ستم ایران را به پیش برده و در جریان همین مبارزه سرخشانه نیز به تجربیات و دستاوردهای گرانقدر دست یافته اند . و سازش ناپذیر و استوار بر اهداف انقلابی و دیکراتیک خود پای می فشارند .

جنبش انقلابی خلق کرد امروز ، یاد قاضی محمد را به خاطر تسلیح ناپذیری او در مقابل دشمنان خلق کرد گرامی می دارد . و از همین رو نیز یاد قاضی محمد رهبر نخستین جمهوری خودمختار کردستان علیرغم تمامی نقاط ضعف این جمهوری و خطا طره مقاومت و ایستادگی او برای همیشه در دل زعمتکشان خلق کرد زنده خواهد ماند .



گوشه ای کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رزمت

## در حاشیه

### تخلیه وسیع

### شهرهای بمباران شده...

در نیمه فروردین ماه، پس از بمباران شهرها و مردم بی دفاع توسط دولتین ایران و عراق و صرائی قضی از شهرهای کردستان نظیر بانه، مریوان، سردشت، پیرانشهر، سنندج و کشته و زخمی شدن مدتها تن او مردم، طلبی و نابش استانداری کردستان و یکی از مزدوران سرسوده رژیم، طوسی صاحبی ای با رادیو سنندج، ضمن گزارش جلسه شورای اداری استان در سال ۶۴، کوشید تا اوضاع ناایمان شهرهای بمباران شده کردستان را عادی جلوه دهد.

این صاحبی در شرایطی صورت گرفت که شهرها از سکنه خالی بودند و اهالی آنها در حالی که تمامی وجودشان را تنفر نسبت به جنسیت بار ایران و عراق فرا گرفته بودند، خانه و زندگی خود را رهنا ساخته و برای حفظ جان خود و فرزندان شان آواره کوه و دشت و بیابانهای اطراف شده بودند. همه چیز صورت عادی خود را از دست داده بود و حتی ادارات دولتی بدون تصحیبات رسمی توسط کارکنان آنها به تعطیل کشیده شده بود.

جناب استانداری در صحبتات با زبونی روی این مسئله انگشت گذارد و کارمندان را مورد خطاب قرار داد و از آنها که در جریان بمبارانها دست از کار کشیده بودند و محل کار خود را ترک کرده بودند، خواست تا بنا بر سلامت به سرکارشان برگردند. او گفت:

«به هیچوجه صلاح نیست کارهای مردم خراب بشوند و مشکل به اینکه بینیم وضعیت چه شده... کارمندان ادارات کماکان آن کار طبقه خودشان را انجام میدهند و مسئله ای هم ندارند...»

تا بش این مزدور دست نشاندۀ بی این جمله کوتاه به روشنی آج در ماندگی و هزار رژیم را از قدرت نبوده ای مردم بیجان داشت. واقعا کسه "صلاح" نیست کارهای مردم خراب شود. زیرا جمهوری اسلامی طی ۶

سال تلاش برای تثبیت حاکمیتش در کردستان عملاً قدرت توده های خلق کرد را بارها آلوده است و بارها طعم تلخ قهر آنان را چشیده است. شاید تابش حق دارد که سرانجام از خدمتگزاران دولت بخواهد تا متظر نباشند به اینکه "وضعیت چه شده".

ولی حقیقت این است که نه این "صلاح" و سلامت استانداری مزدور رژیم به خاطر ضایع توده های مردم است و نه نگرانی های او از حائز و تقابلی فلاکتی این جنگ بی فراجام است که هر روز بیشتر زندگی کارگران و زحمتکشان را به تباهی می کشاند. از نظر او سرزشت جنگ هر چه خواهد شد بگذار بشود، مسئله او خود مردم است. انفجار خشم انباشته شده اهالی شهرهاست که موجودیت ضحور رژیم را با خطر روبرو ساخته و نشانه های آن به صورت اعتراضات علنی علیه جنگ و رژیم بعد از بمباران در شهرهای کردستان، مزدوران و پاسداران را به وحشت انداخته است.

استانداری مزدور رژیم علاوه بر همه اینها در هاجیه خود به واقعیت دیگری اعتراض کرد و حیوانانه تلاش نمود آنرا لاپرواشی نماید. و آن غارت اموال مردم توسط جانر ها و دیگر مزدوران رژیم بود. در شهرهای تخلیه شده مزدوران صلاح رژیم فرصت یافته اند آزادانه به جولان در شهر بپردازند و به هر خائنی سر کشیده با خیالی آسوده دست به غارت اموال اهالی بزنند. حال بینیم بی در حالیکه به این غارتگری اعتراض نمود چگونه مردم لاپرواشی کردن آن برآمد. او گفت:

"راجع به جلوگیری از سرقتی که در شهر در چنین مواقع هست مأمور شهرداری هم یک گزارش دادند. اونچه که واقعیت داره اینکه کسه همه ما متقدم در یک چنین مواقعی واقعا باید با سارق برخورد جدی کرد. این خواست

همه مردم... و ساز ادامه می دهد:

"چون شهرداری اطلاع کافی از این قضیه نداشت بجساز از زبانها که من می شنوم آمار دقیقی منسوب بر این کار ندارم. اگر کسی واقعا سرقتی شده ازش سرانجام بکند و چیزی را بپوشد که ما واقعا بفهمیم که درصد سرقت چقدر بوده و نسبت به روزهای عادی چقدر بالا رفته..."

تا همین جا مفصله گوئی کافی است. استانداری خود را با وثاقت به نادانی می زند تا با طفره رفتن از پذیرش مسئله سر باز زند. او پراختی نمی تواند و قادر نیست جاشها یعنی همان دزد ها و سارقینی را که حتی بر سر تقسیم اجناس به غارت برده شده با هم به زد و خورد بپردازند و هم مأموران شهرداری گزارش آنها را داده اند و هم خبر آن را از زبانها شنیده است. به توده های مردم معرفی نماید. آقای استانداری که خود سر دستانه همین دزد ها و اوباشان است چگونه می تواند شت هم کاسه های خود را که در غارت و چپاول اموال و دسترنج زحمتکشان کردستان هیچ حد و مرزی نمی شناسند باز نماید.

بی نهایت پیداست که او چگونه می خواهد با "سارقین" برخورد جدی نماید و آنان را برای "مجازات" به دست حکام قضائی رژیم بشارد، کسانی که تنها وظیفه شان محاکمه انقلابیون و شکنجه و اعدام مدافعین مظلوم کارگران و زحمتکشان می باشد و درمستان تا صرف به خون آنان آغشته است و خود نیز از مزدوران سرمایه داران چپاولگر و برادران جاشهای مزدور هستند.

استانداری به عیث گمان کرده است که می تواند با این سقخان مردم کردستان را بفریبد. اهالی زحمتکش شهرهای کردستان که همواره با پشتیبانی بی دریغ از پیشمرگان دلیر کردستان در جاذبه علیه مزدوران رژیم در تداوم جنبش انقلابی نقش بسزائی ایفا نموده اند، به خویشی ماهیت رسوای دست اندر کاران و عوامل رژیم را می شناسند و به درستی می دانند که تا سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی از حائز و جنایات آن رهائی نخواهند یافت.

# ☆ اخبار جنبش مقاومت نوده‌ای

برای کسب حق تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خود، صلاح مردم دست گرفته است هرگز در مقابل سرکشان خود عقب نخواهد نشست . . .

در این ماه، فشار رژیم بر نهنگستان روستاها ایجاد گسترده‌ای به خود گرفته است که تقریباً در تمامی موارد، سیاست‌های رژیم با ناکامی روبرو شده است. این امر نشان دهنده ضعف و اراده آهنین نهنگستان کرمستان انقلابی در ادامه هرچه قدرتمند مبارزه کفیی در راستای کسب حق تعیین سرنوشت خود، و شکست ناپذیری این جنبش عظیم انقلابی است.

رژیم در عین حال برای پیچ و پلج جهت احراز به صلح جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق در کرمستان انقلابی نیز همچون دیگر نقاط ایران در یک ماه گذشته، دست به تلاش وسیعی زده است که اخبار و گزارشات نهنگستان از احوال سیاست‌های ارتجاعی رژیم در کرمستان و طالبات قهرمانانه نوده‌ها با این سیاست‌ها را به نمایش می‌گذارد.

رژیم جمهوری اسلامی برای نپل به اهداف ارتجاعی خود خلق خود، پیش از ۶ سال است که به وحشیانه ترسین گفتارها و جنایات در کرمستان انقلابی دست بازده است و انواع سیاست‌های ارتجاعی و ضدانقلابی از قبیل محاصره روستاها، اقتصادی، نوب و غنایه باران شهرها و روستاها، کوچ اجباری و تخلیه و سران نمودن روستاها، تملیح اجباری نهنگستان کرمستان سرانده گوری اجباری فرزندان خلق کرد را به کار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی بیشترین فشار را در طول حیات تنگین خود بر نهنگستان خلق کرد وارد آورده است تا مگر در اراده انسانها آنها بر مبارزه برای تحقق اهداف خود خلقی ایجاد نماید. اما نه تنها نتوانست است در این زمینه به اهداف ضد انقلابی خود دست یابد، بلکه کارگران و نهنگستان خلق کرد را بر تحقق اهدافشان هر چه مصمم تر ساخته است. رژیم جمهوری اسلامی، عاجز از برک این واقعیت است که سرزمینی که برای بدست آوردن حقوق حق خویش و رهائی از یوغ ستم‌گر

سیاست تملیح اجباری رژیم  
با مقاومت و اعتراض قهرمانانه نوده‌ها محکوم به شکست قطعی است

## شمال کرمستان

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست‌های ارتجاعی تملیح اجباری نوده‌های نهنگش خلق کرد، اهالی اکثر روستاهای اطراف سلماس را تحت انواع و اقسام فشارها قرار داده‌اند، آنها به تمام روستاهای منطقه "تحریک" اعلام کرده‌اند که باید اسلحه برداشته و طبقه بهمنرگان قهرمان خلق کرد صلح نموده. ولی سرزمین نهنگش این روستاها در مقابل این خواست ارتجاعی مزدوران دست به مقاومت یکپارچه زده‌اند. اهالی روستاهای "قلمند"، "چه‌بغ"، "آغ‌سردان"، "اسفاره"، "چهار سنن" برای اعتراض به

سیاست‌های رژیم، ضد و یکپارچه به غیر سلماس رفته و نظیرت و اینجبار خود را نسبت به سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم اعلام داشته‌اند. در ادامه این اعتراضات گسترده اهالی روستای "ساج واج" نیز بر روزهای ۲۸ و ۲۹ اسفند ماه گذشته، با تجمع در جلوسوی فرمانداری سلماس به دادن شعار طبقه سیاست‌های رژیم پرداخته، و تسلیم ناپذیری خود را به نمایش گذاشتند.

اما مزدوران رژیم از کار خود باز نمانده، دست به آزار و اذیت و تهدید و فشار نهنگستان این منطقه زده و به انواع و

اقدام علیه ما سعی نموده‌اند، اهالی نهنگش منطقه را وادار به سرانگشتن اسلحه رژیم بنمایند. آنها اهالی روستاهای "چه‌نفسه"، "سیره‌نر" و "وریه" را به تخلیه و تخریب روستاهایشان تهدید نموده‌اند.

در یک مورد دیگر اهالیان رژیم به قیو طووان دیگری دست زده‌اند. نسبت هنگامی که اهالی نهنگش روستای "کافه خرنه" برای دریافت وام به بانک مراجعه کرده‌اند، کارمندان بانک به آنها وام نداده و اعلام داده‌اند که "فشار ضد انقلاب همواره" ما در صورتی به شما وام می‌دهیم که اسلحه برای رژیم بپردازید. اما این تهدید هم کارساز نباشد و مزدوران رژیم که از این برخورد خود نیز نتیجه‌ای نمی‌گیرند، همین دیگر موارد فوق به ریز طووانی‌ها

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

## \* اخباری از جنبش مقاومت توده‌ای

### شمال کردستان . . .

۱۱ و ۱۲ و ۱۳ فروردین این روستا را مورد یورش وحشیانه قرار داده، به آزار و اذیت اهالی می پردازند و اعلام می کنند در عرض ۲۴ ساعت یا با یک روز روستا را تخلیه نمایند، یا اسلحه برای رژیم بردارید که با اعتراض و مقاومت اهالی روبهرو شده، مجبور به عقب نشینی می گردند.

در یکی دیگر از روستاهای این منطقه به نام "ته" نیز مزدوران مستقر در پایگاه رژیم در این روستا، به شبهه دیگری دست زده، به آزار و اذیت مداوم مردم می پردازند.

اهالی زحمتکش این روستا نیز در روز ۲۲ فروردین ماه، ضد و یکپارچه برای اعتراض به

رفتار دوشنبه این مزدوران دست به اعتراض زده و دسته جمعی به سوی پایگاه به حرکت در می آیند. با مشاهده عکس العمل دوشنبه مزدوران این پایگاه تصمیم می گیرند که برای اعتراض به پایگاه دیگر مزدوران در روستای "سرو" بروند. آنها در مسیر حرکت خود به دادن شمارهایی علیه رژیم می پردازند. در نیمه‌های راه با ستونی از مزدوران رژیم روبهرو می شوند که مانع حرکت اهالی زحمتکش روستای "ته" به سوی پایگاه می گردند.

مزدوران متون اعزامی برای ایجاد رعب و وحشت تعدادی از اهالی را دستگیر می نمایند. ولی این حرکت آنها نیز تا ثیری در روحیه متموض زحمتکشان نمی گذارد و آنها همچنان به مقاومت و اعتراض خود ادامه می دهند.

مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، علیرغم تمامی تهدیدات و فشارهایی که در طول این مدت بر اهالی روستاهای این منطقه وارد آورده اند، در هیچکدام از موارد فوق موفق به پیشبرد سیاست های ارتجاعی خود نگشته اند. و در مقابل اعتراضات گسترده زحمتکشان منطقه مجبوره عقب نشینی شده اند. در تمامی این موارد، زنان زحمتکش روستاهای این منطقه در مقابل با مزدوران رژیم نقش بسزایی داشته اند.

\* \* \*

روز سوم فروردین نیز پاسداران برای سرکشی به روستای "گولانه" هجوم می برند ولی با مقاومت و اعتراض یکپارچه اهالی روبهرو می شوند. صدای اعتراض مردم بالا می گیرد و اهالی با دادن شمار علیه رژیم به مزدوران حمله می کنند. پاسداران رژیم، اقدام به دستگیری یکی از اهالی می نمایند ولی در پی گسترش اعتراضات اهالی مجبور به آزادی او و تسریع روستا می شوند.

در همین روز روستاهای "انجمنه"، "درگا شیخان"، "سرو آبشار"، "احمد آباد"، "گرگای"، "قلعه گاه"، "قلعه جی"، "تازه آباد تغلی" و "تخان" نیز، مورد هجوم دوشنبان قرار می گیرند.

در پی یورش پاسداران به روستای "انجمنه"، مجبورم یکپارچه و ضد دست به اعتراض زده و اعلام می کنند که به هیچ وجه حاضر به دادن سرباز برای رژیم نیستند، مزدوران رژیم که دست بردار نبودند دست به آزار و اذیت مردم می زنند، ولی نتیجه ای نگرفته، مجبوره تسریع روستا می گردند.

پاسداران مجدداً در روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این روستا را مورد هجوم وحشیانه خود قرار می دهند، ولی همراه با صبح صیغ اعتراضات اهالی زحمتکش این روستا روبهرو شده مجبور به عقب نشینی می گردند.

در ادامه همین یورش های پاسداران سرکوبگر رژیم به روستاهای منطقه، روستای "مانه" در صهر جاده سروان - سنندج نیز مورد هجوم وحشیانه مزدوران رژیم قرار می گیرد. پاسداران که تا کنون چندین بار این روستا را مورد یورش وحشیانه خود قرار داده اند، این بار وقتی که با تجمع یکپارچه اهالی روبهرو می شوند، یکی از اهالی را دستگیر کرده به پایگاه می فرستند و به تهدید اهالی می پردازند و بدین وسیله تلاش می کنند که آنها را هراسانده سازند ولی مردم این روستا ضد و یکپارچه برای آزادی زحمتکش دستگیر شده به سوی پایگاه حرکت می کنند و موفق به آزادی او می شوند، آنها در همین حال به مزدوران رژیم اعلام می کنند که حق ورود به روستا را ندارند.

### سربازگیری اجباری رژیم و مقاومت توده های زحمتکش در منطقه سروان

#### سروان

روز دوم فروردین ماه، مزدوران رژیم روستای "المانه" را از چهار سو محاصره کرده و مردم روستا را به زور در صحنه روستا جمع می کنند و پس از تهدیدات گسترده، چند نفر از اهالی را دستگیر می نمایند تا به وسیله سربازی بفرستند. این اقدام مزدوران خشم و انزجار مردم روستا را برمی انگیزد. اهالی این روستا با اتحاد و یکپارچگی خود موفق می شوند که پاسداران ارتجاع را از روستای خود بیرون رانده و دستگیر - شدگان را آزاد نمایند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سرکشی اجباری که از مدتها پیش در کردستان انقلابی در پیش گرفته اند، در این ماه نیز، یورش های وحشیانه جدیدی را برای دستگیری و اعزام فرزندان زحمتکشان کردستان به جبهه های جنگ ارتجاعی، به روستاهای منطقه سروان آغاز کرده اند که در زیر نمونه هایی از این یورش های ارتجاعی و مقابله و اعتراض توده های زحمتکش این منطقه را می آوریم.

سندج

تلاشهای مزدوران

برای تسلیح زحمتکشان روستاهای  
میهن و مقاومت و اعتراض بوده ها

مزدوران رژیم در این منطقه نیز همچون تمامی مناطق دیگر کردستان، برای اجرای سیاستهای ارتجاعی خود دست به آزار و اذیت مردم زده، به هر اقدام ارتجاعی دست می‌بازند. آنها در این منطقه شبها به روستاها یورش آورده، آنها را تحت محاصره خود در می‌آورند و به دستگیری جوانان می‌پردازند. آنها گریه در برخی روستاها به کمک عناصر فرصت‌طلب و خائن موافق به اجرای نقشه‌های شوم خود شده‌اند ولی در اکثر موارد با شکست مواجه گشته‌اند.

رژیم در این منطقه نیز به استفاده از جاسوسان مزدور خود، در تلاش آن است که اهالی زحمتکش روستاها را صلح نماید ولی در تمامی موارد تلاشهای مزدوران رژیم در مقابل مقاومت یکپارچه نبوده‌ها، بی‌ثمر مانده است. از جمله در منطقه "نوان" مزدوران رژیم اخیراً با مقاومت یکپارچه اهالی روستاهای "سرنجیان"، "قار"، "خیاره"، "مهرآباد"، "هانیش" و "کانی" به چنگ آمده و... مجبور به عقب‌نشینی شده و نتوانسته‌اند به اهداف ارتجاعی خود دست یابند.

علاوه بر موارد فوقی در روستای "خلیفه ترخان" حسین آباد سندج نیز، مزدوران رژیم با تمامی فشار و اختناق که بر مردم این روستا تحمیل کرده‌اند، نتوانسته‌اند خللی در اراده آنها ایجاد نموده و اهالی را وادار به تسلیم اجباری نمایند. سازمندی مقاومت در این روستا علیه سیاست‌های ارتجاعی رژیم از سوی یکی از زحمتکشان این روستا به نام کاک ناصر صورت می‌گرفت که در آخرین یورش دوشمنان این زحمتکش انقلابی در کشکشان روستائیان و مزدوران مزدور امنیت گلوله مزدوران قرار گرفته و به شهادت می‌رسد. این امر نه تنها خللی در اراده اهالی زحمتکش این روستا به وجود نمی‌آورد، بلکه بیشتر از پیش مردم آنها را در مقابل سیاست‌های رژیم استوارتر می‌سازد.

آنها تراندازی می‌نمایند. که این اقدام فاشیستی مزدوران رژیم صورت اعتراض شدید مردم قرار می‌گیرد و آنها برای اعتراض به کبری پایگاه روستای "پیرخیران" راه افتاده و به دادن شعارهایی علیه مزدوران می‌پردازند. این حمله کت زحمتکشان روستای "سورگنه" و "مورد پختیانی اهالی روستای "پیرخیران" نیز قرار می‌گیرد. زحمتکشان این روستا طی یک تظاهرات یکپارچه از فرمانده پایگاه "پیرخیران" خواستهای متعددی فرستاده پایگاه "سورگنه" می‌شوند. که فرمانده مزدور این پایگاه نیز همچون دیگر همالکی‌های خود، طی سخنانی به تهدید و ارباب مردم دست زده، دوباره از آنها می‌خواهد که اسلحه رژیم را بردارند و به بسیج بومی رژیم یعنی جاشها بپیوندند. و از مسئولین نظام وظیفه نیز می‌خواهد که با گرفتن اسلحه دوران سربازی خود را در همان روستای خود بگذرانند. که درخواست‌های او مورد اعتراض مردم قرار می‌گیرد و این مزدور نیز عوفی نمی‌شود. کسی را وادار به برداشتن اسلحه به نفع رژیم بنمایند.

با امداران و دیگر مزدوران رژیم در منطقه میهن نیز همچون دیگر مناطق کردستان انقلابی زحمتکشان روستاها را تحت فشار قرار داده‌اند تا آنها را به برداشتن سلاح علیه پیشمرگان قهرمان خلق کورد وادارند. اگر چه اخیراً این مزدوران با همکاری عده‌ای فرصت‌طلب و خائن توانسته‌اند تعداد نفر از اهالی روستای "پیرخیران" را فریب داده، و صلح نمایند ولی در بقیه روستاهای منطقه از جمله "گلبد"، "سورگنه"، "مولیان"، "لاصان"، "چاولکان"، "بهر"، "برده سبی"، "مام‌واله" و... اهالی زحمتکش روستاها با اعتراض یکپارچه خود، نقشه‌های ارتجاعی مزدوران رژیم را نقش بر آب ساخته، و با اتحاد و یکپارگی خود، موافق شده‌اند آنها را وادار به عقب‌نشینی نمایند.

در همین رابطه مزدوران مستقر در پایگاه روستای "سورگنه" در مقابل اعتراض مردم از تسلیم شدن به درخواست‌های ارتجاعی رژیم، برای آزار و اذیت اهالی هنگام رفت و آمد روستائیان، به سوی

تخریب و شعله‌ور روستای "کلان کانی" در منطقه اورمیه

روستا، ساز و برگ زندگی خود را جمع و جور کنند و همه را زیر خاک مدفون می‌سازند و اهالی این روستا بدون کوچکترین سبیل و امکانش برای زندگی، آواره روستاهای اطراف می‌شوند.



مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های ضد خلقی خود در این منطقه، در روز هفتم فروردین ماه، به روستای "کلان کانی" حمله کرده و بطور ناگهانی دست به تخریب خانه‌های روستائیان می‌زنند و در مدت کوتاهی با بولدوزر خانه‌های روستائیان را با خاک یکسان می‌کنند. مزدوران رژیم فرصت نمی‌دهند که اهالی زحمتکش این

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

از صفحه ۲۲

بمناسبت

دهمین سالگرد ...

بیژن جزئی به همراه  
تنی چند از یاران خود به شهادت  
رسیده است.

رفیق بیژن جزئی چهره  
شناخته شده ای برای جنبش  
انقلابی کارگران و زحمتکشان  
ایران و انقلابیون سراسر ایران و  
جهان بود. خبر ترور بیژن  
برای تمامی کسانی که اندک آشنائی  
با سائل جنبش کمونیستی ایران  
در پیش از دو دهه گذشته  
داشته اند، بسیار سنگین و باور -  
نکردنی بود. فقدان بیژن  
برای جنبش ایران و برای سازمان  
ما یکی از حساس ترین لحظات  
حیات آن غریبه سنگین و سختی  
بود.

رفیق بیژن جزئی که  
فعالیت سیاسی خود را از همان  
دوران پرتلاطم جنبش انقلابی  
ایران در سالهای ۳۲ و از ده سالگی  
آغاز کرده بود، در طول بیش از  
دو دهه تجارب گرانقدری را پشت  
سر نهاده بود و راه و مسیر  
پر مشقت و کارنامه درخشانی را  
تا اولین لحظه حیات خود  
پشت سر گذاشته بود. او با  
درایت و پشتکار خود در تمامی  
طول حیات سیاسی خود، همیشه  
و در همه حال با شکست و  
معضلات پیچیده مبارزه و  
پنجده را فکده و صافیت و پیروزی هر بار  
عرصه های نهضی را پیش روی خود  
گشوده بود. بیژن از همان  
نخستین دوران فعالیت مستقل  
خود بعد از انحطاط کامل حزب  
توده، در دوران بعد از کودتای  
۲۸ مرداد ۳۲ تا زمانی که به طرز  
درخشانی و کین نوزاده ای در  
تپه های اهن آماج گلوله های  
دوخیمان ساواک گردید، همیشه  
و در همه حال پیش از شناخت  
واقعیت ها و راهگشای عرصه های  
نهضی برای تلاش های مجدانه  
در جهت احیاء و سازماندهی جنبش  
کمونیستی ایران بود.

بیژن جزئی از همان سال  
۳۴ توانست با پاسخ روشن و اصولی  
به سائل صبرم، تمامی نیروهای  
چپ و مارکسیستی را که بعد از شکست  
حزب توده و تلاشی آن در پی

راه حل انقلابی بودند، حول یک  
خط و مشی انقلابی متشکل نماید.  
او با تحلیل از واقعیت آنچه که  
حزب توده بود و طرز اساسی آن  
و ظریفه کمونیست ها را شرکت در  
مبارزه عظمی و سازماندهی مستقل  
از حزب توده و در جهت نفسی  
موجودیت آن قرار داد و قاطعانه  
با تمامی مافوقی که قصد جرح و  
تعمیل خط و مشی حزب توده و  
احیای مجدد آن را داشتند،  
میرزبندی نمود. درست به همان  
گونه که با تمامی مافوقی که  
شکست حزب توده را مستحکم برای  
توجیه انفعال و پاسیفیسم و  
تسلیمات ضد کمونیستی نمود  
نموده بودند، میرزبندی نمود.

بیژن با نقد عملکرد حزب  
توده و طرز مافوقی رنگارنگ،  
خط و مشی متشکل خود را بر حرکت  
هدفمند حول حرکت فعال در  
مبارزات کارگران و زحمتکشان و  
از این طریق و تنها از این طریق  
میرزبندی روشن و قطعی با حزب  
توده گذاشت. این اقدام  
قاطعانه رفیق بیژن و یاران  
او در سالهایی که رهبران حزب  
توده در زندان ها به خفت باقرین  
شکل مکن به توجیه جنبش  
کمونیستی و مبارزات توده ها  
پرداخته و به بلندگوهای ارتجاع  
حاکم صبدل گشته بودند،  
فعالین جنبش همگی تار و مار  
شده در زندانها و شکنجه گاه ها  
اعدام و محبوس گشته بودند،  
خود مسئولین حزب توده که  
زمانی در رأس جنبش بودند، به  
دستیاران پلیس در پیگرد های  
فاجعتهی سالهای بعد از کودتا  
بدل گشته بودند، تأثیرات بزرگی  
در احیای روحیه انقلابی در  
فعالین جنبش کمونیستی و پیرو  
در بخش هر چند اندک کسانی که  
قضای حاکم بر جنبش آن سالها  
به صوره عبرت نامه های رهبران  
حزب توده و جبهه حاکم بر  
سیاست های بقایای این حزب در  
خارج از کشور نتوانسته بود  
تأثیرات مغرب خود را بر روحیات  
آنها باقی گذارد، بر جای گذاشت.  
در حقیقت نطفه گروه بیژن که  
بعد ها یکی از جریان های تشکیل  
دهنده سازمان چریکهای فدائی  
خلق ایران در سال ۴۹ گردید،  
در همین سالها یعنی در سالهای  
بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در  
اواخر دهه ۳۰ بنیان گذارده شد  
و در فعالیت صبرم بعد از آن  
تا سال ۴۹ صبرم پر پیچ و خمی  
را در کوران مبارزه در عرصه های

مختلف، پشت سر گذاشت. گروه  
بیژن از همان بدو پیدایش به  
فعالیت عظمی دست یازید، به ویژه  
در سال ۳۹ تا ۴۲ نقش فعالی  
را در سازماندهی جنبش  
دانشجویی ایفا نمود.

بیژن و تعدادی از رهبران  
این گروه در سال ۴۶ علی رغم آن  
که دستگیر شدند، اما گروه بیژن  
و بقایای آن با تجدید سازماندهی  
و ادامه حرکت خود نقش بزرگی  
در تدارک رستاخیز سهاکل و  
احلام موجودیت سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران و تحقق بخشیدن  
به آرزی دیرینه تمامی مارکسیست  
لنینیست های ایران در ارائه  
یک آلترناتیو کمونیستی و ادامه کار  
در جنبش کمونیستی ایران و  
احیای مجدد فعالیت کمونیستی  
در ایران داشتند.

اما دوران فعالیت بیژن به  
دوران قبل از زندان و تشکیل  
نخستین هسته های رزمده و  
مستقل کمونیستی خلاصه نمی گردد.  
شکوفاتین دوران حیات بیژن از  
زمانی آغاز می گردد که تلاش دو  
دهه فعالیت او در سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران تجسم  
عینی یافته و سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران موجودیت خود  
را در سطح وسیعی و در عرصه  
های مختلف مبارزه به اثبات  
رسانده بود و بیژن علی رغم  
آن که در زندان بود، صبرم بزرگ و  
بزرگانی در شکل گیری آن ایفا  
نموده بود.

بیژن در این دوران عرصه  
تلاش خود را در جهت معرفی  
سازمان و اثبات حقانیت تاریخی  
سیاسی و ایدئولوژیک آن در  
گسترده ترین شکل به کار برد و با  
تحلیل از موقعیت تاریخی -  
اجتماعی حرکت انجام شده به آشافه  
ایده های اساسی تشکیل سازمان  
پرداخت. در این مقطع علاوه بر  
تلاش در جهت گشایش عرصه های  
جبهه ای در فعالیت سازمان و  
تحلیل موقعیت آن در مبارزه  
کارگران و زحمتکشان ایران، عرصه  
فعالیت بیژن را توضیح و اثبات  
این امر به خود اختصاص داد  
که سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران محصول چه ضرورتی و  
در پاسخ به کدام الزامات عینی و  
ذهنی و عظمی مبارزه به وجود  
آمده است.

بیژن در این عرصه با تاکید  
بر همان مضامین اصلی

حرکت آغازین خود در آخرین سالهای دهه ۳۰، حرکت جدید را تشویریزه نمود و ضرورت وحدت تمامی مارکسیست - لنینیست های ایران حول سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بعنوان پرچمدار جنبش نوین کمونیستی ایران به اثبات رسانید. بیژن در تثبیت و تحکیم دستاوردهای سازمان در این سالها نقش بسزایی داشت. او از داخل زندان تمامی حرکت ها و سیر تحولات درونی سازمان را زیر نظر داشت و خود در این تحولات و پیشبرد آنها نقش موثری ایفا می نمود.

اما مهمترین وجه مشخصه دوران فعالیت بیژن در زندان را تلاش در جهت تدقیق خط و حتی سازمان از یک سو و تحلیل از وضعیت پیشروی آن از سوی دیگر تشکیل می داد. بیژن اولین کسی بود که در عرصه برخورد به دیدگاه های اولیه حاکم بر سازمان که جتنی بر نقطه نظرات رفیق احمدزاده بود به تصحیح اصولی آنها پرداخت. او در برخورد با این نقطه نظر که شرایط عینی انقلاب به مفهوم موقعیت انقلابی را فراهم می دید و از سوی رفیق محمود طرح گردیده بود، با رد این نقطه نظر به تشویریزه کردن دوران تدارک انقلاب و توضیح مفهوم و مضمون تاکتیک - های سازمان پرداخت. و با تاکید بر خصلت تاکتیکی حرکت سازمان به عنوان راهکنای حرکت آن در جهت سازماندهی جنبش کارگران و زمینکشان، گام مهمی را به جلو برداشت و عملاً راه را برای کار توده های به عنوان یک پارامتر مهم در فعالیت عینی سازمان بازگشود و هر چند او نیز نقطه نظر حرکت سازمان را هنوز تاکید بر سازماندهی نظامی قرار می داد و از این نقطه نظر نیز نهایتاً فراروشی دوران تدارک به دوران انقلابی و موقعیت انقلابی را از طریق نه تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر و سازماندهی مبارزه پیروالتاریا، بلکه تشکیل ارتش خلق و جنگ توده ای طولانی عملی می دانست. اما آنچه که در نخستین سالهای حیات سازمان به نقطه نظر بیژن برجستگی خاصی می داد، گشودن راه سازماندهی توده ای و شرکت فعال در مبارزات روزمره کارگران و عموم زمینکشان در دوره تدارک انقلاب بود. امری

## بمناسبت

دهمین سالگرد...

که در مقایسه با تاکید یک جانبه رفیق احمدزاده بر سازماندهی نظامی حرکت پیشاهنگ گام مهمی به جلو بود.

بیژن همزمان با چنین دگرگونی و تحولی در تدوین تئوریک صاتی حرکت سازمان در جهت تصحیح نقطه نظرات سازمان در برخورد به نیروهای سیاسی مختلف و نیز تحلیل از وضعیت عمومی جامعه و چشاندن از - های محتمل آن نیز، نقش پیشیناز و غیر قابل انکاری داشت. او ضمن افشای چهره جریان های خرده بورژوازی و بورژوازی، همچون معاهدین خلق ایران نقاط اشتراق و وحدت سازمان با همه نیروهای موجود را آشکار ساخته و ضرورت برخورد آگاهانه با تحولات سیاسی محتمل در این دوران را و نقش و موقعیت این نیروها، در جنبش را مورد بررسی دقیق قرار داد.

او به همراه تحلیل از تحولات احتمالی ایران و نقش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آن به خطر سیاست و رهبری جریان های مترجمی همچون خصمی بر جنبش توده ای انگشت گذاشت و هراس عمیق نه تنها خصمی، بلکه معاهدین خلق را نیز از پیروزی پیروالتاریا و اعمال رهبری آن بر جنبش به وضوح مورد بررسی قرار داد. بیژن معتقد بود که در صورت ضعف رهبری پیروالتاری این خطر وجود دارد که این جریانها یک تاز میدان شده، نهایتاً جنبش را به محلاب شکست بکشانند. در این زمینه او به وضوح در مورد معاهدین خلق گفت:

خلاصه کلام این است که مذهب های مارکسیست ( یعنی معاهدین خلق ) در شناخت جامعه معاصر و تعیین نیروها و اتکا درست به آنها دچار اشتباهند و انقلاب را به سنگلاخ خطرناک می کشانند و در فیردای انقلاب و پیروزی نیز حاکمیت زمینکشان و طبقه کارگر را به خطر انداخته مانع پیروزی انقلاب خواهند

شد.  
( به نقل از مارکسیسم اسلامی یا اسلام مارکسیستی اسفندماه ۱۳۵۱ )

بیژن علاوه بر تحلیل از وضعیت نیروهای جنبش، تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه را نیز بطور دقیقی دنبال می نمود و با تحلیل وضعیت، به تعیین وظائف پیشاهنگ پیروالتاری می یازید. نیوغ او در این زمینه زمانی خود را با برجستگی آشکار ساخت که در آخرین ماههای قبل از شهادت خود، هنگامی که حزب رستاخیز از سوی رژیم پهلوی برای سرپوش نهادن بر یحسبران سیاسی و اقتصادی پیشروی، با سرودهای زیاد تشکیل گردید. بیژن در سخنان افتتاحیه معبد رضا شاه جلار که مخالفان حزب خود را تهدید می کرد که اگر آن را قبول ندارند از ایران بروند، در چهره رژیم پهلوی انعکاس نطفه های طوفانی را دیده بود که در سال ۵۷ بساط رژیم را درهم کوبید. بیژن در همان روزها اعلام داشت که این سریده های شاه جنایتکار بیانگر ضعف و زبونی رژیم است و نه قدرت آن، ناقوس سرگد یکباتوری پهلوی به صدا درآمده است.

اما بیژن با تمامی نقاط قوت خود و با تمامی پیشینازی خود در حرکت سازمان در این دوره از حیات سیاسی خود که می توان گفت مهم ترین دوره زندگی مبارزاتی بیژن را تشکیل می دهد، از اشتباهات و نواقص نیز بیگانه خود برخورداری بود.

نخست این که او در عین سرزبندی دقیق سیاسی با حزب توده و طرف آن، به ضرورت سرزبندی آیدئولوژیک با حزب توده چندان بهاسی تدار و به مبارزه سر سخت آیدئولوژیک علیه آن دست نیازید. بیژن در سرزبندی با حزب توده برخورد های خود را به سیاستهای حزب توده و خط وشی اپورتونیستی آن منحصر ساخت و این امر که مهم ترین نقص کار بیژن بوده تاخیرات خود را در سالهای بعد در سازمان به جای گذاشت که تبلور خود را در عدم انجام آیدئولوژیک آشکار می ساخت.

روم این که بیژن علیرغم تاکید بر کار در میان توده ها و سازماندهی در صفحه ۲۰

پورشهای به مراتب گسترده تر  
از پیش نیز از پای در نخواهد آمد،  
بلکه در مقابل خونین با  
چنین پورشهایی هر چه بیشتر  
شکوفان خواهد گشت و به انگال  
نهیستی از جنگ علیه سرکوبگران  
خلق کرد در هر ابصار و  
قصاص دست خواهد یافت.

### بهناسبت

از صفحه ۱۹  
دهمین سالگرد...

صارتات کارگران،  
هیچگاه درک عینی از این  
سازماندهی و اهمیت مبارزه  
سیاسی پرولتاریا، به عنوان  
مضمون اصلی فعالیت کمونیستها  
ارائه نداد، بلکه بالمکرر غریغ  
پرخور به دیدگاه های رفیق  
صمود در این زمینه خود نیز  
نهایتاً چنین فعالیت را به  
تابی از سازماندهی نظامی بدل  
ساخت. و هرچند خود طرح این  
ساله از سوی بیژن در آن سال  
- ها دارای ارزشهای معینی است -  
ولی عدم قطعیت بخشیدن و  
تصریح آن به عنوان مضمون  
اصلی فعالیت سازمان، یکی از  
نقاط ضعف مهم بیژن بود.

اما علیرغم این همه اگرچه  
بیژن در دو زمینه فنی  
دیدگاه های خود را تعمیق  
نخستید و با بهتر است بگوئیم  
فرست و مجال و امکان آنرا  
نیافت، تأثیرات تعیین کننده ای  
را در گرایش حرکت سازمان به  
طرح و تحلیل مهم ترین مسائل  
جنبش در تصای زمینه ها از خود  
برجای گذاشت و در حقیقت به -  
عنوان یک رهبر سیاسی بیستاز،  
سازمان را کاملاً به جلو برد  
صومیت آن را در سطح جنبش  
تثبیت نمود.

بگوئیم با غلبه بر تمامی  
نواقص حرکت رهبران بنیانگذار  
سازمانان از جمله رفیق کبیر  
بیژن جزئی، بر نقاط قوت  
حرکت آنها که همانا تلاش بی وقفه  
و سازمانگرانه مبارزه طبقه کارگر  
ایران در جهت دست یازیدن به  
اهدای انقلابی پرولتاریا و نیل به  
سویالیسم است استوار و پیکر  
باشیم، همانگونه که بیژن بود.  
بگوئیم سازمانگران حرکت آگاهانه  
و هدفمند پرولتاریا، در یک کلام  
بیستاز مبارزات رهائی بخش  
کارگران و عموم زحمتکشان ایران  
باشیم، همانگونه که بیژن بود.

با این امواج اعتراضی و رو به  
گسترش در شهرها به حالت  
آشاده باش نکه دارد. در نتیجه  
امال با وجود حدود ۲۰۰۰۰۰  
مزدور ارتشی سپاه صمیم و  
جاشهای خود فروخته، رژیم  
جهت دست زدن به تهاجمات  
و عشیانه خود و مقابله با عطیانه  
قهرمانان پیشمرگان انقلابی  
کردستان با کبود نسیم  
سرکوبگر مواجه است. این  
کبود آنگان چشکیر است که  
سرمداران سپاه ضد خلقی را  
واپی دارد به رغم ادعاهایی که  
تا کنین در باره تسلط نظامی  
خود در کردستان داشته اند  
این چنین به زبونی نیروهای  
سرکوبگر اعتراف نمایند.

رژیم با تمامی پایگاههای  
که در سراسر کردستان بر سر هر  
قله ای دایر کرده است و با انبوه  
فراوانی که در این پایگاهها  
بسیار سرکوب جنبش انقلابی خلق  
کرد، مستقر ساخته است و  
علیرغم تمامی پورشهایی که  
تا کنین به جنبش انقلابی خلق  
کرد، با تمامی تجهیزات خود  
به عمل آورده است، که تنها  
توانسته است گامی در جهت  
رسیدن به اهداف ارتجاعی  
خود در منطقه بردارد و خللی  
در اراده خلق قهرمان کرد  
ایجاد نماید، بلکه هر روز بیشتر  
از روز پیش به تمامی تلاشهای  
مذبحخانه خود در کردستان  
پی برده است. اطلاعات اخیر  
سپاه پاسداران علیرغم تمامی  
سرودهای رژیم بیانگر حاکمیت  
رژیم در کردستان، بلکه شکست و  
ضعف آن در مقابل با جنبش  
انقلابی خلق کرد است.

جنگ در کردستان باتلاقی است  
که نیروهای سرکوب رژیم را هر  
روز بیشتر از روز پیش در ورطه  
هلاک و نابودی فرو می برد و این  
واقعیت را یک بار دیگر تاریخ  
مبارزات توده های زحمتکش به اثبات  
می رساند که هیچ قدرتی را به  
تمامی سلاح های جهشی و با  
هر تعداد نیروی پاری مقابل  
با خلقی را که عزم خود را برای  
رهائی جزم کرده است نیست.

تدارک جدید رژیم نیز بدون  
شک همچون خطه ها و پورشهای  
سمبانه سالهای پیشین محکوم به  
شکست قطعی است. جنبشی  
که از اعماق توده های ستمدیده  
جوشیده است و بر زمینه امال  
و اهداف ملیونی توده ها  
گرفته است، هرگز در مقابل

از صفحه ۲۲  
رژیم جمهوری اسلامی  
دشمنان ارک نیرو برای ...

این فیراخوان ارتجاعی و  
آشاده سازی نیروهای سرکوب  
برای پورش به کردستان در حالی  
صورت می گیرد که با آغاز  
فروردین ۶۴ جنبش انقلابی  
خلق کرد ششمن سال حیات  
خود را سپری ساخته و در مسیر  
اهدای انقلابی به پیش می تازد  
و نیروهای سرکوب رژیم جمهوری  
اسلامی همچنان در زیر ضربات  
پیشمرگان دلیر خلق کرد با زهم  
شکست تلاشهای مذبحخانه خود  
را تجربه می نمایند.

همه به یاد دارند که در  
اولین بهار پر از قیام چگونه  
با پورش بیرحمانه رژیم شهر  
منفردج در زیر آتش توپ و  
خواره قرار گرفت و مدتها نفر  
از مردان و زنان و کودکان در  
خون خود غلطیده، همه  
می دانند با فرمان جهاد عینی  
در ۲۸ مرداد ۵۸، چگونه  
جانیات بسی حد و حصر سپاهیان  
ارتجاع در کردستان روی جانیان  
تاریخ را سفید کرد و تا کنین  
نیز هر روز و هر ساعت دهها  
صحنه خونین از اوج درشتی و  
تفاوت علیه توده های خلق کرد  
آفریده می شود.

اما رژیم سرکوبگر جمهوری  
اسلامی با صخ این جانیات خود  
را در همان نخستین پورشهایش  
دریافت کرده است، در جنسک  
نوروز منفردج اراده استوار و  
خلل ناپذیر خلق کرد و قدرت  
توده های صلح و مبارزه و مقاومت  
قهرمانان آنان پاسخی بود که  
رژیم را در دست یافتن به اهداف  
ارتجاعی با شکست روبرو ساخت  
و امروز با تداوم قدرتشدهایی  
مبارزه، فدائاری و از خود گذشتگی  
پیشمرگان انقلابی و حمایت  
بیدریغ توده های زحمتکش شکست  
ناپذیری جنبش انقلابی خلق کرد  
به اثبات رسیده است. و این  
جمع آوری نیرو توسط رژیم سرغرم  
تبلیغانش خود نشانه واضحی  
بر این امر می باشد.

امال وضعیت کردستان  
دارای ویژگی جدیدی است. موجی  
از اعتراضات توده ای در شهرها  
رژیم را با درماندگی هر چه بیشتر  
روبرو ساخته تا آنجا که رژیم  
مجبور است بخش مهمی از نیروهای  
سرکوبگر خود را در جهت مقابله



## توضیح درباره تغییر عنوان شاخه کردستان به کمیته کردستان

از آنجا که بر طبق اساسنامه مصوب نخستین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تشکیلات های منطقه ای سازمان در مناطق مختلف با عنوان کمیته منطقه فعالیت می نماید و از آنجا که تقسیم بندی سازمان به شاخه های مختلف مثل شاخه کردستان و ... از تقسیمات سازمانی قبل از کنگره اول سازمان بوده و تا امروز نیز بنا به دلیل سابقه فعالیت تحت این عنوان تغییر در این نامگذاری صورت نگرفته بود لذا از این تاریخ به بعد تشکیلات منطقه ای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان منطبق بر اساسنامه سازمانی تحت عنوان کمیته کردستان به فعالیت های خود ادامه خواهد داد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
کمیته کردستان  
۳۰ / فروردین / ۱۳۶۴

مبارزه دست بازده است و بر مبارزات جاری در سراسر ایران پرده سانس افکنده و با انگیزه به نقاط قوت جنبش انقلابی خلق کرده نتیجه گیری می نماید که ایران را نمی توان تنها از طریق کردستان آزاد کرد. پس به زعم او حداقل کردستان را می توان در چارچوب وضعیت حاکم آزاد کرد. و در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی به چنین آزادی دست یافت.

حزب دمکرات که با چنین نگرشی به گشودن باب مذاکره با رژیم دست بازده است. فاضل از آن است که بدین پیروزی کارگزاران و زحمتکشان در سراسر ایران آزادی کردستان امکان پذیر نیست و توهان امروز حسرت دمکرات با شکستی به مراتب سخت تر از توهان گذشته او روبرو خواهد گشت. و اگر امروز امکان بازگشتی وجود داشته باشد فردا برای چنین کاری بهیار دیر خواهد بود.

ما در شماره آینده به بررسی همه جانبه سیاست کنونی حزب دمکرات پرداخته پیرامون مساله مذاکره با رژیم در شرایط کنونی بیشتر سخن خواهیم گفت. ادامه دارد

### از صفحه حزب دمکرات ۷ موجوده ارگشته، نوبه از آینده

امروز خود مجبوران نمایند. حزب دمکرات با تاکید بر این که مبارزه مسلحانه به عنوان شکل معنوی مبارزه برای سرنگونی رژیم خفنی در چارچوب کردستان محدود مانده است.

در حقیقت علاوه بر ارائه درک مغشوشی از اشکال مبارزاتی برای توجیه سیاست خود در مورد بهره برداری از "تنها کردستان" نیز هست. پرسیدنی است که اگر این "شکل محوری" می توانست در عیاب توده ها، رژیم خفنی و نه حتی جمهوری اسلامی را سرنگون سازد، پر چرا تا کنون های مجاهدین موفق به چنین کاری نشده اند؟

حزب دمکرات با تعمیم شرایط خود رژیم کردستان به سراسر ایران بدین درک تفاوت میان این شرایط خود رژیم با شرایط سایر نقاط ایران، و مشخصه های طبقاتی حرکت عمومی نیروهای طبقاتی معین، به در هم آمیزی سرزهای مشخص

ارتش گرسنگی راه می رود  
راه می رود تادلی از عزای نان در آورد  
تا دلسی از عزای گوشت در آورد  
تا دلسی از عزای کتاب در آورد  
تا دلسی از عزای آزادی در آورد.  
راه می رود پل ها را در می نوردد،  
چون دم شمشیر می برد  
راه می رود، درهای آهنین را می در  
حصار درها را، واکن می کند  
پای در خون راه می رود.

ارتش گرسنگی راه می رود  
بنا گام های تند  
بنا سرود های آتش  
بنا امید به بیرونی شعله شکش  
بنا امید به امید.

ارتش گرسنگی راه می رود  
شهرها را بدوش می کشد  
با کوبه ها و خانه های تاریک شان  
دود کثرت های کارخانه هارا  
به دوش می کشد

و خستگی بی پایان خروبی  
کارخانه ها را.  
ارتش گرسنگی راه می رود  
به دنبال خویش می کشد و می برد  
راسته های زلفه نشینان را  
و آنان را که می میرند بدین مشیت خاکی  
بر این خاک نامتناهی.

ارتش گرسنگی راه می رود  
راه می رود تا گرسنگان را نان دهد.  
تا آزادی دهد بدانها که ندارند  
پای در خون راه می رود.

( ناظم حکمت )

## نکاتی پیرامون

اطلاعیه حزب دمکرات در

## مورد فعالیت نیروها در منطقه بانه

روز پانزدهم فروردین ماه، حزب دمکرات کردستان اطلاعیه‌ای را خطاب به کلیه نیروهای انقلابی منتشر ساخت که در تسووع خود تا کنون بسی نظیر بوده است. حزب دمکرات در این اطلاعیه از کلیه سازمان‌های سیاسی که در منطقه بانه فعالیت می‌کنند یا خواهان رفتن به این منطقه هستند، خواست که به علت آماده‌باش کامل

نیروهای پیشمرگه حزب و نظامی بودن منطقه... از رفت و آمد به منطقه بانه خودداری ورزند و با قیلا حزب را از ورود خود به منطقه بانه مطلع سازند. (تاکید از ما)

با انتشار این اطلاعیه بر حقیقت آنجه که حزب دمکرات قبل از همه به بانه آماده‌باش و نظامی بودن منطقه به انشاء آن دست بازده است حق دمکراتیک فعالیت سیاسی-نظامی کلیه نیروهای انقلابی موجود در کردستان است. حزب دمکرات در واقع امر در صفحه ۸

## بهمناسبت ۲۴ فروردین

به همین مناسبت در روز رفیق کبیر

بیژن جزینی و همروزمان



سیام فروردین ماه ۱۳۵۴ روزنامه‌های عصر و نیم پهلوی خبر کوتاهی را منتشر ساختند. خبر حاکی از آن بود که «نفسر از زندانهای سیاسی رژیم در حبس قرار گرفته شده اند. این خبر که بطور خلاصه در گوشه‌ای از صفحه اول همه روزنامه‌ها درج گردیده بود، هر خواننده‌ای را در دست و حیرت فرو می‌برد و خیره‌ناکی از چهره‌شویی بر آن طغی از بنیان گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و از رهبران برجسته جنبش کولیستی ایران رفیق کبیر در صفحه ۱۸

طی يك نبرد قهرمانانه  
دشمن از جاسوهای مزدور منطقه  
بملاکت رسیده‌اند

لغدم انقلاب  
دشمن از مزدوران رژیم در داخل  
شهر سقز

مجازات یکی از جاسوسان رژیم  
در صفحه ۱۱

## اخبار نیروهای پیشمرگان فدایی در منطقه سقز

رژیم جمهوری اسلامی

## در قتل‌اندازی نیروهای یورش جدید به کردستان

با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تعیین يك ضرب الاجل زمانی از مزدوران جنایتکار رژیم اعم از در ارتش و اعضای های سپاه خواست تا خود را به پایگاههای تحت پوشش واحد سقز - بانه ارتجاسی معرفی نمایند تا ترتیب اعزام آنها به کردستان داده شود. در صفحه ۲۰

پس از مدتها تلاشهای تبلیغاتی عوام‌فریبانه رژیم در مورد وضعیت نظامی کردستان، جعل اخبار و دروغپردازی در مورد قدر قدرتی خود و سرکوب و قلع و قمع پیشمرگان انقلابی خلق کرد در هفته‌های پیش سپاه پاسداران منطقه مرکزی

## صدای فدائی

سوج کوتاه رادیوهای

۷۵،۶۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

در بانه